

تجدیدنظر در خط‌قرمزها
پیشنهادهای خاتمی برای عبور از بحراندرگذشت ناکهانی فرزند صدیقی
متهم باغ ازگل فوت کردسفیدشوییِ قداره‌کش
درباره حضور هانی کرده در یک تاک شو

نوسازی گمرک روی میز وزیر

آیا مدنی‌زاده می‌تواند
وعده ترخیص ۳ روزه کالاها را عملی کند؟

یادداشت روز

مذاکره یا قطعنامه؟

جدال تهران و آژانس
بر سر سایت‌های بمباران شده

عبدالرضا فرجی‌راد

استاد ژئوپلیتیک

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست شورای حکام تاکید کرد که برای بازگشت به روند بازرسی‌های کامل در تأسیسات هسته‌ای ایران، به‌ویژه آنهایی که در جریان حملات اخیر آسیب دیده‌اند، نیازمند تعامل بیشتر با تهران هستیم. او همچنین خواستار دسترسی فوری به موجودی اورانیوم غنی‌شده ایران با خلوص‌های مختلف شده و این موضوع را نیازمند رسیدگی فوری دانسته است. در این میان نه تنها آژانس بلکه اروپا، آمریکا و حتی برخی کشورهای عربی نیز خواستار شفاف‌سازی وضعیت هستند. آنها اطلاعات دقیقی از میزان خسارت‌ها یا سرنوشت ذخایر اورانیوم ایران ندارند و همین خلأ اطلاعاتی باعث شده، فشارها بر آژانس بیشتر شود تا از تهران بخواهد، دسترسی‌های لازم را فراهم کند. کارشناسان آژانس در وهله نخست می‌خواهند بدانند که میزان خسارت وارده بر سایت‌ها چقدر بوده و در وهله دوم مطمئن شوند که حدود ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده در همان سایت‌ها باقی مانده یا به مکان دیگری منتقل شده است. در داخل ایران نیز دیدگاه‌ها متفاوت است. برخی معتقدند، ایران باید اجازه بازرسی بدهد تا از فشارهای بیشتر جلوگیری شود، در حالی که گروهی دیگر بر این باورند که چنین اجازه‌ای تنها به زیان ایران خواهد بود. با این حال تجربه نشان داده که ایران در این زمینه انعطاف به خرج خواهد داد اما تلاش می‌کند این اقدام را به یک ابزار چانه‌زنی سیاسی تبدیل کند. تهران می‌خواهد از طریق مذاکره و بده‌بستان دیپلماتیک، امتیازاتی در حوزه غنی‌سازی یا رفع بخشی از تحریم‌ها کسب کند. ایران به‌خوبی می‌داند که اروپا در حملات اخیر سکوت کرده و آژانس نیز برخلاف مقررات ان‌پی‌تی اقدام به محکومیت نکرده است. بنابراین حاضر نیست بدون دریافت امتیاز، خیال طرف‌های مقابل را آسوده کند. حتی این احتمال وجود دارد که اگر کارشناسان آژانس از سایت‌های آسیب‌دیده، بازدید کنند و خسارت‌ها را کمتر از حد انتظار ببانند، برخی کشورها دوباره به فکر حملات تازه بیفتند. از این منظر، امتناع ایران از دادن دسترسی فوری بیش از آنکه یک اقدام فنی باشد، بخشی از دیپلماسی امتیازگیری است. یکی از نگرانی‌های اصلی، احتمال صدور قطعنامه علیه ایران در نشست شورای حکام است. هرچند در شرایط فعلی احتمال آن کم ارزیابی می‌شود اما این سایه همچنان بر سر پرونده ایران وجود دارد. شاید در نشست‌های بعدی اگر توافقی حاصل نشود، این گزینه جدی‌تر مطرح شود. حتی در صورت صدور قطعنامه، بعید است در این مرحله به شورای امنیت ارجاع داده شود اما تهدید آن همچنان باقی است و می‌تواند، فضای مذاکرات را تحت تأثیر قرار دهد. اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در بیانیه‌های اخیر خود نشان داده‌اند که راهی جز فشار سیاسی نمی‌بینند. با این حال ایران بارها هشدار داده که این فشارها، نتیجه‌ای نخواهد داشت. اگر بدبینانه‌ترین سناریو را در نظر بگیریم و قطعنامه‌ای علیه ایران صادر و به شورای امنیت ارجاع داده شود، ماجرا با مکانیسم استنباط متفاوت خواهد بود. در چنین شرایطی احتمال وتوی چین و روسیه وجود دارد. بنابراین غربی‌ها می‌دانند که مسیر فشار حقوقی چندان هموار نیست و همین امر باعث شده بیشتر بر فشار سیاسی و رسانه‌ای تکیه کنند. با وجود همه این فشارها، نشانه‌هایی از تمایل به مذاکره دیده می‌شود. حتی گمانه‌زنی‌هایی درباره گفت‌وگوی احتمالی میان محمدبن سلمان ولیعهد عربستان و دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا مطرح شده است. ترامپ نیز با ادعاهای خاص خود می‌گوید، ایرانی‌ها در حال مذاکره هستند. هرچند این ادعاها اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد اما نشان می‌دهد که تحرکاتی هرچند محدود در جریان است. پرونده هسته‌ای ایران بار دیگر در نقطه‌ای حساس قرار گرفته است. از یک سو آژانس و قدرت‌های جهانی خواستار شفافیت بیشتر هستند و از سوی دیگر ایران تلاش می‌کند از این وضعیت به‌عنوان ابزار دیپلماسی استفاده کند. سایه قطعنامه شورای حکام همچنان وجود دارد اما احتمال ارجاع آن به شورای امنیت در شرایط فعلی کم است. در نهایت به نظر می‌رسد، مسیر آینده بیش از آنکه به فشارهای سیاسی وابسته باشد به میزان تحرکات واقعی در عرصه مذاکره و بده‌بستان دیپلماتیک گره خورده است.

شکاف ایران و آژانس

با نشست فصلی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، فشارها بر ایران آغاز شد
گروسی، مدیرکل آژانس از ایران خواست؛ همکاری‌های بیشتری با این نهاد داشته باشد
تا شکافی که وجود دارد، بسته شود. تهران دلیل محدودیت‌ها را حمله به تأسیسات دانسته
و می‌گوید: اگر فشارهای سیاسی افزایش یابد، همکاری‌ها با آژانس نیز کاهش بیشتری خواهد داشت



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حالی از دیروز آغاز شده و تا جمعه ادامه دارد که این بار با شرایطی کاملاً متفاوت نسبت به همه نشست‌های سال‌های گذشته برگزار می‌شود. برای نخستین‌بار پس از حدود یک دهه، موضوع نظارت بر اجرای توافق هسته‌ای ایران در دستور کار رسمی شورا قرار ندارد؛ تغییری که در ظاهر یک جابه‌جایی اداری است اما در عمل بازتاب‌دهنده یکی از مهم‌ترین تحولات حقوقی و سیاسی پس از پایان

عمر قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به‌عنوان سند حقوقی برجام محسوب می‌شود. قطعنامه‌ای که از سال ۲۰۱۵

مینای حقوقی اجرای توافق هسته‌ای و نظارت فنی آژانس بر فعالیت‌های ایران بود، در ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) پایان یافت

ادامه در صفحه ۳





گزارش

درگذشت ناگهانی فرزند صدیقی

متهم، باغ ازگل فوت کرد



گروه سیاسی: محمدمهدی صدیقی، فرزند کاظم صدیقی، امام جمعه سابق تهران در حالی جهان را ترک کرد که پرونده‌های مالی و قضایی او و خانواده‌اش هنوز موضوع بحث و انتقاد عمومی است. او روز گذشته در منزل شخصی‌اش و در سن ۴۸ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت؛ خبری که واکنش‌ها و پرسش‌های متعددی را درباره پرونده‌های مالی او و خانواده‌اش به دنبال داشت.

محمدمهدی صدیقی در سال ۱۳۵۶ در قم به دنیا آمد و پس از گذراندن دروس کلاسیک، وارد حوزه علمیه شد. او با حضور در حوزه علمیه امام خمینی (ره) به عنوان معاون اداری خدمتگزار طلاب فعالیت می‌کرد. طبق اعلام رسمی خانواده، او در سحرگاه ۲۸ آبان ۱۴۰۴ بر اثر عارضه شدید کبدی و ایست قلبی درگذشت. حسن مرادی، یکی از دوستان روحانی او، نیز اعلام کرد که محمدمهدی در حال سجده از دنیا رفته است.

با این حال، نام او بیش از پیش در پرونده‌های مالی مطرح شد. مشهورترین مورد، پرونده باغ ۱۰۰۰ میلیارد تومانی ازگل بود که نام محمدمهدی، پدر و برادرش در آن مطرح شد. محمدمهدی، مالک ۲۵ درصد این باغ بود اما پس از افشای رسانه‌ها، پدرش اعلام کرد که از ماجرا خبر نداشته و امضایش جعل شده است. در نهایت این ملک به حوزه علمیه امام خمینی (ره) بازگردانده شد.

محمدمهدی صدیقی همچنین با اتهامات مالی دیگری مواجه بود و همراه همسرش تحت تعقیب قضایی قرار داشت. خبرگزاری تسنیم پیش‌تر گزارش داده بود که او مدتی در بازداشت بوده اما هنگام فوت در منزل خود حضور داشت. این در حالی است که انتظار می‌رود وقتی قوه قضائیه خبر بازداشت کسی را منتشر می‌کند، اطلاع‌رسانی از آزادی قانونی متهم نیز انجام شود، نه آنکه با جنجال بازداشت او اعلام سپس بدون اطلاع عمومی آزاد شود.

سخنگوی قوه قضائیه در هفته آخر مهرماه درباره متهمان این پرونده اعلام کرده بود که برای متهمین پرونده به اتهام مشارکت در کلاهبرداری و ادعای نفوذ در قوه قضائیه در ۱۷ شهریور ماه کف‌خواست صادر و پرونده در ۷ مهرماه به دادگاه صالحه ارسال شده است. شعبه ۱۰۶۵ دادگاه عمومی نیز موظف به رسیدگی بود. با این اوصاف پرونده باید اوایل آبان ماه مورد رسیدگی قرار گرفته باشد اما هنوز خبری در این باره منتشر نشده است.

مرگ محمدمهدی صدیقی، پرسش‌هایی درباره روند رسیدگی به پرونده و استیفای حقوق بیت‌المال و اشخاص حقیقی و حقوقی بر جای گذاشت. طبق قانون در صورت فوت متهم در خلال رسیدگی در دادگاه یا دادسرا، روند رسیدگی متوقف می‌شود اما در صورت وجود مال یا ماترک، ضرر و زیان مربوطه باید پرداخت شود. همچنین اگر اموال موضوع جرم در اختیار دیگران باشد، این اموال باید به مرجع قضائی تحویل داده شود. به بیان دیگر با فوت متهم، امکان مجازات او وجود ندارد اما ضبط یا استرداد هرگونه اموال مربوط به جرم توسط مرجع قضائی ادامه می‌یابد. در این میان نکته حائز اهمیت این است که دستگاه قضایی باید ضمن استیفای حقوق بیت‌المال مربوط به متوفی درباره سایر متهمان پرونده نیز اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف انجام دهد.

@saazandeginews
saazandeginews
www.saazandegi.ir

سازندگ

تجدید نظر در خط قرمزها

سیدمحمد خاتمی می‌گوید از تجربه ژاپن، کره و چین برای ارتباط با جهان الگوبرداری کنیم



اینکه حکومت به مردم احترام می‌گذارد و به آنها روی آورده است؛ مثل همین اینترنت و مسئله فیلترینگ که اکنون شغل بسیاری به آن وابسته است. از آنجا که رئیس‌جمهور هم قبلا وعده حل آن را داده است لذا انتظار می‌رود در عملی کردن وعده خود شتاب و تلاش فرماید.

حمایت از دولت با نقد سازنده منافاتی ندارد

رئیس دولت اصلاحات تأکید کرد: حمایت از دولت که لازم است به هیچ‌وجه منافاتی با نقد سالم ندارد اما نقد خیرخواهانه باید همراه با ارائه راه‌حل هم باشد. از جمله اینکه جا دارد از اصلاح‌طلبان پرسیده شود تاکنون برای حل مشکلات اقتصادی کشور چقدر راه‌حل داده‌اند؟ وی اضافه کرد: ۸۰ درصد مردم ایران به یک معنی سیاسی نیستند و برای آنها چندان مهم نیست که مسئولان چه کسانی هستند؛ آنها فقط می‌خواهند زندگی کنند و امنیت و چشم‌انداز روشن‌تری به آینده داشته باشند.

خاتمی تأکید کرد: گام‌های خوبی که جبهه اصلاحات ایران و بخش‌های مختلف جامعه مدنی برداشته و برمی‌دارد نشانه این است که جامعه ما در جهت بلوغ سیاسی پیشرفت داشته است. رئیس دولت اصلاحات در عین حال از اعضای این جبهه خواست که با مسائل کشور و مسائل انضمامی و عینی، کارشناسانه‌تر همراه با داده‌های دقیق و نه با اتکای صرف به تحلیل‌ها (و احیانا به‌صورت شعاری) برخورد کنند. وی در پایان اظهار امیدواری کرد: همه کسانی که دغدغه سربلندی ایران، حل مشکلات و دفع خطرات و تهدیدات را دارند حتی فراتر از این جبهه سیاسی، کنار همدیگر قرار بگیرند و برای رفع مشکلات و پیشرفت و آبادانی کشور و پایداری شدن حقوق اساسی ملت و عزت ملی و بین‌المللی تلاش کنند.



مستقیم با سایر وزرا و نهادهای دولتی را فراهم می‌کند و می‌تواند به ارتقای کارآمدی سیاست‌ها و برنامه‌های کلان استان کمک کند. با توجه به مشکلات متنوع تهران از جمله جمعیت بالا، ترافیک سنگین، آلودگی هوا و مسائل خدمات شهری، انتظار می‌رود استاندار تهران به عنوان عضو دائم هیات دولت بتواند، راهکارهای عملی و سیاست‌های کلان مؤثرتری ارائه کند و اجرای آنها را با سرعت بیشتری پیگیری کند.

نظام و مصلحت ملت و کشور آسیب ببینند، تجدیدنظر کند و البته این امر به هیچ‌وجه به معنی تسلیم در برابر فزون‌خواهی بیگانه نیست.

رئیس دولت اصلاحات اضافه کرد: البته دشمنی‌های بیگانگان هست و درست به همین دلیل باید از جمله، بیشتر عقلانیت در عرصه دیپلماسی و برقراری روابط بهتر با دنیا به کار گرفته شود و در یک کلام، هدف اصلی باید ساختن ایران و کسب منافع ملی و محکم کردن پایه‌های اقتدار واقعی مردم و کشور و توسعه همه جانبه باشد.

خاتمی با اشاره به اینکه خواست تاریخی ملت ما برقراری مردم‌سالاری واقعی است که شش‌پیدا این امر مورد تأیید اصلاحات نیز هست، گفت: نمی‌توان خیال‌پردازانه واقعیت‌های تاریخی و شرایط جهانی و... را نادیده گرفت و پنداشت که به سادگی جامعه استبدادزده‌ای که در دنیای کنونی در معرض انواع توطئه‌ها و دسیسه‌های خارجی است، برخورد از دموکراسی می‌شود. بنابراین باید از تجربه کشورهای دیگر چون ژاپن و کره جنوبی و حتی چین درس بگیریم. من همیشه بر توسعه همه جانبه و پایدار تأکید کرده و گفته‌ام که توسعه اقتصادی بدون توسعه سیاسی، فرهنگی و علمی ناممکن یا دست‌کم ابر است اما حتماً اگر زیرساخت‌های اقتصادی و فنی کشور توسعه یابد، خود به استقرار آزادی‌های سیاسی و اجتماعی کمک می‌کند و در هر حال تأمین رضایت مردم (همه مردم) اولین شرط موفقیت در این راه و کسب اقتدار و تأمین عزت است.

خاتمی با تصریح اینکه امروز سختی امر معیشت، زندگی را بر اکثریت قاطع مردم دشوار کرده است، گفت: البته این مشکل یک شبه حل نمی‌شود اما گاهی بعضی گام‌های کوچک می‌تواند، زمینه اقدامات اساسی‌تر باشد و نشان‌دهنده

و سایر اعضای دولت است. معتمدیان تأکید کرد که امیدوار است با این مسئولیت بتواند چالش‌های متنوع تهران از جمله مسائل ترافیکی، زیست‌محیطی و خدمات شهری را به نحو مؤثر حل و فصل کند.

حضور استاندار تهران به عنوان عضو دائم هیات دولت، نشان‌دهنده اهمیت ویژه استان تهران و پایتخت در تصمیم‌گیری‌های کلان دولت است. تهران به عنوان پرجمعیت‌ترین استان و مرکز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور با چالش‌های متعدد زیست‌محیطی، ترافیکی و اجتماعی روبه‌رو است که مدیریت آن نیازمند هماهنگی مستقیم با بدنه دولت و تصمیم‌سازان اصلی است. این انتصاب می‌تواند، راهکاری برای تسهیل تصمیم‌گیری‌های سریع‌تر و اجرای پروژه‌های مهم شهری باشد و انتظار می‌رود این تصمیم جدید بتواند به بهبود هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در سطح استان بینجامد.

حضور استاندار تهران در هیات دولت، امکان ارتباط

دولت

استاندار تهران در دولت

معتمدیان عضو دائم هیات دولت شد

گروه سیاسی: با موافقت رئیس‌جمهور و پیشنهاد وزیر کشور، محمداصادق معتمدیان، استاندار تهران، به عنوان عضو دائم هیات دولت انتخاب شد؛ اتفاقی که بی‌سابقه بوده و اهمیت آن با توجه به شرایط ویژه پایتخت دوچندان است. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت روز گذشته در حاشیه جلسه هیات دولت در گفت‌وگو با رسانه‌ها اعلام کرد: امروز در جلسه هیات دولت، استاندار تهران به عنوان عضو دائمی کابینه حضور داشت.

این تصمیم در حالی اتخاذ شده که پیش از این استانداران تنها به صورت موقتی در جلسات دولت حضور می‌یافتند و به نظر می‌رسد این تغییر نشان‌دهنده، توجه ویژه دولت به مسائل پایتخت و ضرورت هماهنگی بیشتر بین سیاست‌های ملی و مدیریت شهری تهران است.

معتمدیان نیز در نخستین حضور خود به عنوان عضو دائم هیات دولت اظهار کرد که هدف او مدیریت بهتر مسائل پایتخت و استان تهران با همکاری و راهبری رئیس‌جمهور

رایزنی برای توافق

بن سلمان از تلاش‌های خود برای توافق ایران و آمریکا خبر داد

گروه بین‌الملل: دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، سه‌شنبه شب در دفتر بیضی کاخ سفید دیداری دوجانبه را آغاز کردند و به سوالات خبرنگاران پاسخ دادند. ترامپ در این نشست با تأکید بر رابطه نزدیک خود با ولیعهد عربستان گفت که او دوست صمیمی من است و در کاخ سفید بسیار مورد احترام است. رئیس‌جمهور آمریکا افزود که دیدار فوق‌العاده‌ای با محمد بن سلمان داشته و تاکنون ۲۱ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری به ایالات متحده آورده‌ایم. او از سرمایه‌گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری ریاض تشکر و ابراز امیدواری کرد که این رقم به یک تریلیون دلار برسد. ترامپ همچنین از اعلام ولیعهد عربستان برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های کشورش در آمریکا استقبال کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا با اشاره به برنامه‌های نظامی و اقتصادی خود ادعا کرد که قیمت انرژی در ایالات متحده به طور قابل توجهی کاهش یافته است. او تأکید کرد که با عربستان برای فروش جنگنده‌های اف-۳۵ به توافق خواهند رسید و ممکن است، مذاکراتی درباره دستیابی ریاض به انرژی هسته‌ای نیز انجام شود. ترامپ سرمایه‌گذاری‌های خارجی را برای امنیت ملی آمریکا ضروری دانست و عربستان را متحد واقعی خواند که در

حال تقویت قدرت کشورش است و روابط دوجانبه در بهترین حالت خود قرار دارد.

در بخشی دیگر، ترامپ درباره تحرکات نظامی آمریکا در سواحل و نزولنا گفت که نیروهای آمریکایی به بالاترین سطح تاریخ خود رسیده‌اند و ابراز آمادگی کرد که با رئیس‌جمهور و نزولنا گفت‌وگو داشته باشد هر چند به رفتارهای و نزولنا انتقاد کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در باره ارتباط خود با جفری اپستین نیز گفت که هیچ رابطه‌ای با او نداشته و اپستین فردی منحرف و بیمار بوده و هیچ کمکی به او نکرده بلکه کمک‌های مالی به دموکرات‌ها ارائه شده است. او درباره قتل جمال خاشقچی نیز بدون اشاره به نقش عربستان، مدعی شد که محمد بن سلمان از این حادثه بی‌خبر بوده است و کارهایی که او انجام داده، باورنکردنی بوده است.

محمد بن سلمان نیز در نشست خبری گفت که به آینده‌ای مشترک با ایالات متحده اعتقاد دارد و سرمایه‌گذاری‌های عربستان در آمریکا را به حدود یک تریلیون دلار افزایش خواهند داد. او از تلاش ریاض برای ایجاد فرصت‌های واقعی در حوزه هوش مصنوعی و نیاز به نیمه‌های‌ها خبر داد و اظهار کرد که می‌خواهند، بخشی از توافقی ابراهیم باشند و در عین حال از راه‌حل

دو دولتی برای صلح حمایت می‌کنند. ولیعهد سعودی افزود که تمام تلاش خود را برای دستیابی به توافق بین ایران و آمریکا انجام خواهند داد و قصد دارند با رشد تولید ناخالص داخلی، کمبود نیروی کار را از طریق هوش مصنوعی جبران کنند. او در پایان اعلام کرد که عربستان در حال مذاکره در باره مبلغ کمک به بازسازی غزه است و هنوز رقم مشخصی تعیین نشده است.

بن سلمان و ترامپ در جریان این گفت‌وگو به موضوع ایران و برنامه هسته‌ای و گفت‌وگو میان تهران و واشنگتن هم اشاره کردند.

ولیعهد عربستان گفت: «ما متحدان نزدیکی هستیم، در این موضوع با هم کار خواهیم کرد و تمام تلاش خود را برای رسیدن به یک توافق بین آمریکا و ایران خواهیم کرد. ما باور داریم که برای

قطعه‌نامه هم من به کار خود ادامه خواهم داد».

اصطکاک ایران و آژانس

در فضای سیاسی و امنیتی کنونی، قطعه‌نامه پیشنهادی غرب علیه ایران، فراتر از یک اختلاف فنی است و بخشی از بازآرایی راهبردی آمریکا و اروپا پس از پایان برجام محسوب می‌شود. از نگاه غرب، پایان یافتن قطعه‌نامه ۲۳۳۱ خلا نظارتی بر برنامه هسته‌ای ایران ایجاد کرده و حملات نظامی ژوئن ۲۰۲۵ بر برخی سایت‌های هسته‌ای این نگرانی را تشدید کرده است. آمریکا و اروپا تلاش دارند با این قطعه‌نامه، ایران را به بازگرداندن دسترسی‌ها وادار کنند و در بلندمدت امکان ارجاع دوباره پرونده به شورای امنیت را فراهم سازند تا نفوذ خود در تنظیم قواعد راهبردی منطقه را تقویت کنند.

ایران از سوی دیگر، حملات به تأسیسات خود را دلیلی برای محدود کردن دسترسی آژانس می‌داند و آن را اقدامی برای حفظ امنیت ملی معرفی می‌کند. این تفاوت برداشت‌ها باعث شکل‌گیری چرخه‌ای از سوء ظن و فشار شده و هر اقدام طرف مقابل به‌عنوان تهدید امنیتی تلقی می‌شود. در داخل ایران نیز پیام روشن است: تهران آماده کاهش سطح همکاری‌ها در صورت افزایش فشارهای سیاسی است هرچند این استراتژی، ریسک افزایش فشارهای بین‌المللی را نیز به همراه دارد.

پیامدهای منطقه‌ای تصویب این قطعه‌نامه نیز مهم است: اسرائیل آن را به‌عنوان مشروعیت بین‌المللی برای ادامه سیاست «فشار حداکثری عملیاتی» تلقی می‌کند و احتمال حملات هدفمند محدود افزایش می‌یابد. ایران نیز ممکن است برای نشان دادن مقاومت خود، برخی فعالیت‌های هسته‌ای را افزایش داده یا همکاری‌های داوطلبانه را کاهش دهد بدون آنکه مرزهایی که موجب اجماع جهانی علیه آن شود را رد کند. این وضعیت یک بازی خطرناک در لبه بحران ایجاد می‌کند که در آن هر دو طرف از برخورد مستقیم پرهیز می‌کنند اما سطح تنش را بالا نگه می‌دارند.

حتی تهدید به تصویب قطعه‌نامه، موازنه روانی و راهبردی میان ایران و غرب را تغییر داده است. آژانس، که تلاش داشت نهادی صرفاً فنی باشد، دوباره در مرکز بحران سیاسی قرار گرفته و اعتماد میان ایران و آژانس کاهش یافته است. این امر همکاری فنی را دشوار کرده و غرب تلاش می‌کند از این شرایط برای بازسازی فشارهای چندجانبه و مدیریت برنامه هسته‌ای ایران استفاده کند.

شکاف ایران و آژانس

در آغاز این نشست، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گزارشی خود درباره برنامه هسته‌ای ایران را با لحنی محتاط اما همراه با هشدارهای جدی قرائت کرد. او گفت: «بازرسان ما به ایران بازگشته‌اند و در تأسیسات تحت‌تأثیر قرار نگرفته از حملات ماه ژوئن بازرسی انجام داده‌اند اما برای بازگرداندن کامل روند بازرسی‌ها، تعامل بیشتری لازم است. ما همچنان در تماس منظم با تهران هستیم و تلاش خود را برای بازگشت کامل به فعالیت‌های عادی راستی‌آزمایی ادامه می‌دهیم. برای برقراری دوباره بازرسی‌های کامل از جمله در تأسیسات آسیب‌دیده به تعامل بیشتری نیاز است تا بدین واسطه ایران تعهدات خود ذیل توافق منع اشاعه تسلیحات اتمی (ان‌پی‌تی) را اجرا کند. من به طور منظم با تهران در تماس

هستم و از ایران می‌خواهم تا دسترسی آژانس به تأسیسات آسیب‌دیده به‌ویژه موجودی اورانیوم غنی‌شده با خلوص پایین و اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالای خود را تسهیل کند که وضعیت آنها نیازمند رسیدگی فوری است». او در ادامه با اشاره به اینکه ایران در برخی موارد با بازرسان همکاری داشته است، افزود: «تعامل سازنده بیشتری مورد نیاز است. من از ایران می‌خواهم که اجرای کامل و موثر فعالیت‌های تضمین‌ها در ایران را مطابق با توافق پادمانی ان‌پی‌تی تسهیل کند و تمایل خود را برای همکاری با ایران در این زمینه تکرار می‌کنم». بخش دیگری از گزارش او بار دیگر به موضوع دسترسی‌ها بازمی‌گشت. گروسی گفت: «تعیین وضعیت فعلی موجودی‌های اورانیوم غنی‌شده با خلوص پایین و اورانیوم غنی‌شده با خلوص بالا در ایران نیازمند رسیدگی فوری است. دسترسی نداشتن آژانس به این مواد هسته‌ای در ایران به مدت ۵ ماه به این معنی است که راستی‌آزمایی این مواد مطابق با رویه معمول پادمان‌ها مدت‌هاست که به تعویق افتاده است».

گروسی سپس در نشست خبری با ادبیاتی صریح‌تر به توضیح وضعیت پرداخت و بار دیگر بر ضرورت دسترسی تأکید کرد. او گفت: «همه چیز در ایران ناپود نشده است. مثلاً در نظنز و اصفهان برخی تأسیسات به‌شدت آسیب دیده‌اند و برخی خیر. این درست نیست که بگوییم چون همه‌چیز ناپود شده، چیزی برای دیدن وجود ندارد. اگر کشوری تأسیساتی دارد و به ما اطلاع دهد که چیزی تخریب شده و ما نمی‌توانیم آن را بازرسی کنیم، ما اول باید آن را بررسی کنیم. ما اطلاعات ایران را به کسی نمی‌دهیم. تأسیساتی که هدف قرار گرفتند، شناخته شده بودند». او در پاسخ به پرسشی درباره احتمال صدور قطعه‌نامه علیه ایران

شرط مذاکره با آمریکا

غنی‌سازی موضوع گفت‌وگو نیست

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی شرط لازم برای هر گونه مذاکره با آمریکا را رعایت اصل برابری و احترام متقابل خواند و تأکید کرد: برای روشن بودن موضوع و روند مذاکره از پیش باید در مورد دستور کار مذاکره توافق شود. «سیدکمال خرازی» با بیان اینکه برنامه هسته‌ای ایران «یومی» است، گفت: این توانایی در مهارت‌ها و دانش دانشمندان و مهندسان ما ریشه دارد و نمی‌توان آن را با زور از بین برد.

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی در گفت‌وگو با سی‌ان‌ان، توقف غنی‌سازی اورانیوم را غیرقابل قبول خواند و گفت: ما باید غنی‌سازی خود را ادامه دهیم. زیرا نیازمند تولید سوخت برای نیروگاه‌های خود همچنین فعالیت‌های پزشکی خود هستیم. بنابراین نمی‌توانیم غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کنیم اما درجه غنی‌سازی می‌تواند، موضوع مذاکره باشد. وی برنامه موشک‌های بالستیک ایران را غیرقابل مذاکره خواند و گفت: تنها مسئله‌ای که ما آماده تعامل درباره آن با ایالات متحده و دیگران هستیم، مسئله هسته‌ای است. ما با دیگران در مورد سایر مسائل از جمله فعالیت‌های موشکی خود، گفت‌وگو نخواهیم کرد و از آنچه بتوانیم در جهت ارتقای موشک‌های مان انجام دهیم، غفلت نخواهیم کرد.

خرازی در مورد ترامپ گفت اگر او رویکردی مثبتی را آغاز کند قطعاً با برخورد متقابل ما رویه‌رو خواهد شد. برای این کار آنها باید از هرگونه توسل به زور علیه ایران خودداری کنند. آنها آن را قبلاً امتحان کرده‌اند و اکنون می‌دانند که زور کارگر نیست. خرازی همچنین درباره تشکیل دولت فلسطینی نیز گفت: این زندگی آنها و کشور آنهاست. بنابراین به خودشان بستگی دارد که تصمیم بگیرند که چه کاری باید انجام دهند. بنابراین حمایت ما از نیروهای مقاومت صرفاً برای رسیدن به یک نتیجه رضایت‌بخش است. ما دولت اسرائیل را به رسمیت نمی‌شناسیم زیرا بر اساس اشغال خاک دیگران بنا شده است. اما از طرف فلسطینی‌ها اگر آنها تصمیم به تأسیس یک کشور فلسطینی بگیرند، ما اعتراضی نداریم.



ویترین: تازه‌های کتاب

ناتوانی هراسناک

خانهٔ مرزی ویلیام هوپ هاجسن

یکی از نخستین نمونه‌های ادبیات وحشت است



طه‌حسین فراهانی

روزنامه‌نگار

در تاریخ ادبیات، برخی آثار تنها داستانی برای خواندن نیستند؛ بلکه تجربه‌ای برای زیستن‌اند. رمان «خانهٔ مرزی» نوشتهٔ ویلیام هوپ هاجسن بی‌شک در شمار همین آثار قرار می‌گیرد؛ کتابی که مرز میان بیداری و خواب، واقعیت و وهم و عقل و جنون را چنان باریک می‌سازد که خواننده بارها مجبور است مکث کند، نفس تازه کند و دوباره وارد دنیای تاریک و شگفت‌انگیز نویسنده شود. «خانهٔ مرزی» از همان زمان انتشارش در سال ۱۹۰۸ اثری شگفت‌انگیز و غیرقابل طبقه‌بندی دانسته شد. نه کاملاً در گونهٔ ادبیات وحشت است، نه علمی-تخیلی، نه فلسفی و نه حتی گوتیک به معنای کلاسیک. مجموعه‌ای از همه این‌هاست اما در عین حال چیزی فراتر و مستقل. این اثر مهم با ترجمهٔ محمود گودرزی و توسط نگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه به فارسی منتشر شده است. وقتی نام وحشت کیهانی به میان می‌آید معمولاً نخستین نویسنده‌ای که در ذهن نقش می‌بندد اچ. پی. لاکرفت است. اما خود لاکرفت، بارها و بارها از تأثیر ژرف ویلیام هوپ هاجسن سخن گفته و «خانهٔ مرزی» را یکی از الهام‌بخش‌ترین آثار تاریخ ادبیات دانسته است؛ اثری که او آن را «نمونه تمام‌عیار وحشت کیهانی و درماندگی انسان در برابر عظمت ناشناخته هستی» می‌نامید. در «خانهٔ مرزی» خبری از ارواح کلیشه‌ای، عمارت‌های نفرین‌شده به سبک گوتیک یا هیولاهای صرفاً ترسناک نیست. هاجسن وحشتی می‌آفریند که ریشه در ناتوانی بشر دارد؛ ناتوانی در فهم جهان، در درک ماهیت زمان و در یافتن جایگاه کوچکش در برابر پهنهٔ بی‌انتهای تاریک کیهان. این نوع نگاه، دهه‌ها بعد تبدیل شد به شالودهٔ کار نویسندگانی مانند کلارک اشتون اسمیت و جهان معروف «کنولوه»ی لاکرفت.

مرز جنون و واقعیت در یادداشت‌های یک مرد تنها

دربارهٔ فرم روایی «خانهٔ مرزی» نیز باید گفت که یکی از جذاب‌ترین ساختارهای ادبیات وحشت را به کار می‌گیرد: ساختار دست‌نوشته کشف‌شده. داستان با دو مرد آغاز می‌شود که برای ماهیگیری به روستایی متروک در غرب ایرلند رفته‌اند. آن‌ها با چاهی عظیم و غیرطبیعی برخورد می‌کنند و در خرابه‌های کنار این ورطه، دفترچه‌ای پیدا می‌کنند که سرگذشت یک مرد منزوی را روایت می‌کند. تمام داستان اصلی همان دفترچه است. نقش نویسنده در این میان بیش از روایت، ایجاد قاب روایی است؛ هاجسن از همان ابتدا می‌گوید: «این اتفاق افتاده است؛ و ما تنها شاهدان باقی‌مانده‌ایم.» همین شیوه از همان صفحه‌های نخست به متن اعتبار و تعلیق می‌بخشد و خواننده را وادار به پذیرش وقایع فوق واقعی می‌کند.

خانه‌ای که راوی در آن زندگی می‌کند، خود یکی از شخصیت‌های رمان است. خانه‌ای دایره‌ای‌شکل با نقش‌ونگارهای عجیب شبیه شعله‌های برخاسته و پیشینه‌ای که مردم روستا از بیان آن گریزان‌اند. سال‌ها خالی بوده، شهرت شومی داشته و به قول یکی از اهالی، «هیچ‌کس از آن خانه پا حالی خوش بیرون نیامده است.» راوی همراه خواهر سال‌خورده و سگ وفادارش، پیر، سال‌هاست که در این مکان دورافتاده زندگی می‌کند. او ارتباطی با

مردم ندارد و آن‌ها نیز به دیده جنون به او می‌نگرند. اما حقیقت آن است که خانه، تنها یک بنا نیست؛ یک نقطه اتصال است. جایی که جهان مادی با جهان‌های دیگر تماس پیدا می‌کند.

هاجسن از توصیف فضا چنان استفاده می‌کند که خانه، هم پناهگاه باشد و هم زندان؛ هم نقطهٔ شروع باشد و هم پایان. یکی از بخش‌های ماندگار رمان، همان شبی است که راوی در اتاق مطالعه نشسته و ناگهان نور اتاق به رنگ سبز و سپس قرمز درمی‌آید. سگش زیر صندلی پنهان می‌شود و دقایقی بعد، «دیوار اتاق مثل پردای نازک کنار می‌رود» و او به جهانی دیگر پرتاب می‌شود؛ جهانی که خورشیدش، حلقه‌ای از شعله‌های خورین است و در مرکز آن، خانه‌ای عظیم از جنس یشم سبز قرار دارد. این صحنه نه تنها آغاز سفرهای رؤیایی/هولناک راوی است بلکه یکی از نمونه‌های کلاسیک و آغازین از توصیف «چشم‌اندازهای کیهانی» در ادبیات وحشت به‌شمار می‌رود.

در این جهان، راوی در محاصره صدها مجسمه غول‌پیکر و خدایان حیوان‌چهره قرار می‌گیرد و با موجودی روبه‌رو می‌شود که سر و چهره‌اش شبیه خوک است؛ موجودی که بارها در طول رمان بازمی‌گردد و هم‌چون سابه‌ای دالمنی بر خانه و راوی سنگینی می‌کند. هاجسن ترکیبی خلاقانه از دو گونه وحشت ارائه می‌دهد: وحشت کیهانی و وحشت فیزیکی. چند ماه پس از سفر نخست، «خوک‌چهرگان» به‌صورت واقعی و فیزیکی به خانه یورش می‌برند. موجوداتی انسان‌مانند، سفید، قدرتمند و سازمان‌یافته که از ژرفای چاهی در نزدیکی خانه می‌آیند.

ایسن بخش از رمان، ریتمی تند، خشن و ترسناک دارد؛ چیزی شبیه ترکیب «ژامبی‌ها و موجودات زیرزمینی» در روایات مدرن. راوی با سگش شب و روز در برابر این موجودات مبارزه می‌کند؛ هاجسن در این بخش چیره‌دستانه از جملات کوتاه، تصاویر تاریک و حس حصارکشی‌شده، استفاده می‌کند تا فضای محاصره را به مخاطب منتقل کند؛ در ادامه، راوی به درون همان چاه-چاهی که ریشهٔ حضور خوک‌چهرگان است- می‌رود و به توبلی می‌رسد که به پرتگاهی بی‌انتهای می‌رسد. این توبل، کلید فهم «خانهٔ مرزی» است: خانه دقیقاً بر مرز میان جهان مادی و جهان‌های بی‌شمار دیگر قرار دارد. یکی از تأثیرگذارترین فصل‌های رمان، هنگامی است که زمان برای راوی سرعت می‌گیرد. او می‌بیند روزها و شب‌ها همچون جرقه‌ای کوتاه می‌گذرند، پیر می‌شود، جنازه سگش از بین می‌رود، بدن خودش فرومی‌یاشد، خانه فرو می‌ریزد و جهان آهسته‌آهسته به خاموشی می‌گراید. این فصل نه‌تنها یک توصیف ادبی است بلکه نزدیک به یک چکیده فلسفی از «فروپاشی کیهانی» است؛ موضوعی که نویسندگان علمی‌تخیلی قرن‌های بعد بارها به سراغ آن رفتند.

«خانهٔ مرزی» تنها یک داستان ترسناک نیست؛ استعاره‌ای است از تهایی انسان در هستی. خانه، همان کیهان است: بزرگ، ناشناخته، زیبا و مرگ‌بار. خوک‌چهرگان، همان ترس‌هایی هستند که از ژرفای ناخودآگاه بالا می‌آیند و سفرهای راوی به زمان‌های دور و نابودی جهان، یادآور شکنندگی جایگاه انسان در برابر گذر زمان و عظمت کائنات است. اگر به ادبیات وحشت، فلسفه زمان، روایت‌های متفاوتی‌کی یا داستان‌هایی علاقه‌مندید که مرزهای سبک و ژانر را درهم می‌شکنند، «خانهٔ مرزی» یکی از ضروری‌ترین کتاب‌هایی است که باید بخوانید.

خانهٔ مرزی

ویلیام هوپ هاجسن

ترجمهٔ محمود گودرزی

کتاب پارسه

۲۰۸ صفحه

۲۹۵۰۰۰ تومان

در اواخر قرن نوزدهم میلادی و اوایل قرن بیستم، ادبیات مدرنیستی در کانون جریان ادبی قرار داشت؛ با این وجود، پس از جنگ جهانی دوم، جنبشی جدید در فرضیه‌های ادبیات سر برآورد با عنوان «پست‌مدرنیسم». سایت «مسترکلاس» در مقاله‌ای به بررسی ادبیات پست‌مدرن پرداخته و ۱۰ نویسندهٔ برجسته در این سبک ادبی را معرفی کرده است.

ادبیات پست‌مدرن چیست؟

این گونه از ادبیات، جنبشی است که تلاش می‌کند تا از مطلق‌انگاری معنا اجتناب کند؛ به‌جای آن، سعی دارد تا بر بازی با واژگان، تجزیه جملات به عبارات پراکنده، بیان فراداستان و قصه‌هایی بینامتنی تأکید کند. این جنبش ادبی در اواخر دههٔ ۱۹۵۰ و اوایل دههٔ ۱۹۶۰ در واکنش به ناتوانی ادبیات مدرن برای یافتن معنا در پرتو نقض قابل توجه حقوق بشر در جنگ جهانی دوم سر برآورد و جهان‌گیر شد. از نمونه‌های بارز در این جنبش می‌توان به «رنگین کمان جاذبه» نوشتهٔ توماس پینچن، «سلاخ‌خانهٔ شمارهٔ ۵» اثر کورت ونه‌گات و «تبصرهٔ ۲۲» از جوزف هلر اشاره کرد. اگرچه از نظریه‌پردازانی که تمرکز خود را بر جنبش پست‌مدرن در ادبیات گذاشتند، لازم است نام برده شود؛ نام‌هایی چون: رولان بارت، ژاک دریدا، ژان بودریار، خورخه لوئیس بورخس، میشل فوکو و ژان فرانسوا لیوتار.

منابع ادبیات پست‌مدرن

اسلاف ادبیات پست‌مدرن، یعنی ادبیات مدرنیستی یا مدرن، بر معنا تأکید بسیار داشتند و معتقد بودند، نویسنده خالق گونه‌ای روشنگری است دربارهٔ نظم و سوگرایی بر دنیای پرآشوب مدرن؛ کسانی چون جیمز جویس، تی. اس. الیوت و ویرجینیا وولف از جمله این افراد بودند. اگرچه پس از مجموعه‌ای اتفاقات ناقض حقوق بشر در دوران جنگ جهانی دوم و پس از آن از جمله قتل‌عام یهودیان، بمباران اتمی ژاپن و بازداشت جمعی ژاپنی‌ها در آمریکا، نویسندگان به این فکر افتادند که رسیدن به معنا خواسته‌ای غیرممکن است و تنها راه پیشرفت، پذیرفتن بی‌معنایی کامل است. بنابراین ادبیات پست‌مدرن بسیاری از اصول مدرنیسم، مانند دوری

سینمای ایران

توهم امنیت

خانه‌ای از دینامیت تصویری از سردرگمی و ناکارآمدی مدیران است

«خانه‌ای از دینامیت» تازه‌ترین فیلم کاترین بیگلو بیش از آنکه یک فیلم سیاسی خوش‌ساخت باشد، گزارشی مستندگونه و بدون قهرمان از یک بحران است. کاترین بیگلو در ساخت فیلم‌های سینمایی در ژانر جنگی و آثار سیاسی کارگردان شناخته شده‌ای است. او با فیلم «مهلکه» اش که درباره چند سرباز آمریکایی در عراق بود به چندین جایزه اسکار رسید. فیلم «سی دقیقه پس از نیمه‌شب» او هم که در افغانستان اتفاق می‌افتد (با بازی جسیکا چستین) توانست چند نامزدی اسکار را به‌دست آورد. فیلم «خانه‌ای از دینامیت» با بازی ربکا فرگوسن هم در حال‌وهوای فیلم‌های پیشین او ساخته شده است. اما به‌خوبی آثار سیاسی و جنگی قبلی کاترین بیگلو نیست. این فیلم نه فضاسازی آثار قبلی بیگلو را دارد و نه می‌تواند، همچان دو فیلم «مهلکه» و «سی دقیقه پس از نیمه‌شب» را به مخاطب منتقل کند.

«خانه‌ای از دینامیت» با وجود کارگردانی یک فیلم‌ساز بزرگ و حضور بازیگران برجسته بیشتر از آنکه اثری ماندگار باشد یک تجربه متوسط است که احتمالاً در حافظه مخاطبان به سرعت محو خواهد شد. فیلم تلاش می‌کند، هیجان و جدیت را در کنار هم داشته باشد اما در نهایت نه به اندازه کافی هیجان‌انگیز است و نه آن‌قدر جدی که بتواند، بحثی واقعی درباره خطر هسته‌ای ایجاد کند.

برای تنفیلیکس این‌س یک محصول پرزرق‌وبرق دیگر است که احتمالاً بازدیدهای بالایی خواهد داشت. اما برای کاترین بیگلو، که زمانی با آثارش در مرکز توجه سینمای جهان بود، «خانه‌ای از دینامیت» بیش از آنکه بازگشت پیروزمندانه باشد، نشانه‌ای از سردرگمی خلاقانه است.

«خانه‌ای از دینامیت» قصه به شدت مهیجی دارد: یک موشک هسته‌ای-که مشخص نیست توسط کدام کشور شلیک شده- تنها

رها از فرم و معنا

نگاهی به ویژگی‌های اصلی و نمایندگان شاخص ادبیات پست‌مدرن

از معنا، تشدید و تأیید چندپارگی و بی‌نظمی و حتی آغاز تغییرات بزرگ در سنت‌های ادبی را به‌طور کلی کنار گذاشت؛ یا شاید بهتر است بگوییم، تفکر خود را بر همین رد معنا و نظم بنیان گذاشت.

۵ ویژگی ادبیات پست‌مدرن

ادبیات پست‌مدرن بر اساس این تفکرات اصلی شکل گرفت:

۱ پذیرش تصادفی بودن اتفاقات: آثار این جنبش ایدهٔ هرگونه معنای دقیق از رویدادها را کاملاً رد کرد و به‌جای آن بر اتفاقی بودن و بی‌نظمی رویدادها تأکید داشت. رمان‌های پست‌مدرن اغلب داستان‌هایی غیرقابل باور را روایت می‌کنند و به‌طور افراطی تلاش می‌کنند تا مانع در یافت خواننده از معنای داستان شده و او را دچار سردرگمی می‌کنند.

۲ سبک‌سری و لودگی: درحالی که نویسندگان مدرنیست به عزای بی‌نظمی نشسته بودند، نویسندگان پست‌مدرن اغلب با استفاده از طنز سیاه، بازی با واژگان، دوگانگی در معنا و دیگر روش‌های لودگی و شوخی، بی‌نظمی را تشدید کردند و داستان‌هایی آشفته خلق کردند تا بیش از پیش باعث گیج شدن خوانندگان شوند.

۳ پراکنده‌گویی: ادبیات پست‌مدرن پراکنده‌گویی جنبش مدرن را گرفت و آن را گسترش داد؛ از این رو آثار ادبی در جنبش پست‌مدرن بیشتر به سوی اشکالی از کلاژ، پیچیدگی در زمان و تغییرات ناگهانی ملموس در شخصیت‌ها و مکان‌های داستان حرکت کرد.

۴ فراواقعیت: ادبیات پست‌مدرن بر بازی بودن زندگی و بی‌معنایی آن تأکید داشت. نویسندگان این جنبش از عناصر فراواقعی بیشتری در رمان‌ها و داستان‌های کوتاه خود استفاده کردند و بیشتر بر هنر و مهارت‌های نویسندگی خود تأکید داشتند؛ آن‌ها به‌طور دائم به خوانندگان یادآوری می‌کردند که نویسنده یک عالم همه‌چیزدان نیست و نمی‌تواند منبع و مرجع راهنما باشد.

۵ ارجاعات درون و بینامتنی: بنا بر شکلی از نوشتار کلاژگونه، بسیاری از نویسندگان پست‌مدرن آثار خود را به نوعی گفت‌وگو با متون دیگر بدل کردند. روش‌های مورد استفاده آن‌ها شامل تقلید ادبی، یا تقلید از سبک‌های دیگر نویسندگان و ترکیب

۱۹ دقیقه تا اصابت به شیکاگو فاصله دارد و گروهی از نظامیان و مقامات سیاسی باید تصمیم بگیرند چگونه با این تهدید روبه‌رو شوند. ایده اولیه فی‌نفسه هیجان‌انگیز است و شاید حتی یک فیلم‌ساز معمولی هم می‌توانست، اثری نسبتاً جذاب براساس آن بسازد. کاترین بیگلو اما یک فیلم‌ساز معمولی نیست، او همواره ما





مرگ در حضور دیگران

دوقلوهای مشهور بازیگر و موزیسین با مرگ داوطلبانه از دنیا رفتند

تلویزیون ایتالیا شدند و با حضور در برنامه‌های محبوب RAI مانند «باغ زمستانی» و «استودیو اونو» به شهرتی کم‌نظیر دست یافتند. مطبوعات مردسالار آن زمان لقب «پاهای ملت» را به آنها داده بودند؛ لقبی که هم تحسین‌برانگیز بود و هم جنجالی زیرا پوشش‌شان بارها قوانین سخت‌گیرانه تلویزیون را نقض می‌کرد و آنها را مجبور به پوشیدن جوراب‌های ضخیم مشکی می‌کرد.

کسلرها بعدها در سینما و تئاتر ایتالیا هم فعال بودند و در آمریکا نیز با هنرمندانی چون فرانک سیناترا و فرد آستیر همکاری کردند. آنها سال‌ها در محله تراستوره رم زندگی می‌کردند تا اینکه در سال ۱۹۸۶ به آلمان بازگشتند. هر دو روابط عاطفی طولانی‌مدت داشتند اما هرگز ازدواج نکردند؛ تصمیمی که به گفته خودشان ریشه در تجربه تلخ خشونت خانگی در ازدواج مادرشان داشت.

آنان همیشه بر استقلال مالی و شخصی تأکید داشتند:

«از کودکی می‌دانستیم باید مستقل باشیم ... از ۱۵ سالگی روی پای خودمان ایستادیم. شاید فقط در پایان کمی به یکدیگر وابسته شدیم».

در اروپا، چندین کشور قبلاً به بیماران لاعلاج اجازه داده‌اند که با کمک دیگران به زندگی خود پایان دهند. مرگ داوطلبانه پایان دادن عمدی به زندگی یک فرد بیمار برای تسکین رنج اوست و در دو نوع فعال و غیرفعال وجود دارد. این در حالی است که «کمک به مرگ خودخواسته» کمک عمدی به شخص برای کشتن خود است و بیمار باید شخصاً اقدام به مصرف ماده کشنده کند.

در بسیاری از کشورهای اروپایی این نوع مرگ شکل قانونی به خود گرفته و در استرالیا و چند کشور دیگر هم قوانینی در این زمینه به تصویب رسیده است که البته در برخی از این کشورها، این قوانین تنها شامل بیماران لاعلاج می‌شود.

براساس این گزارش، ایسن قوانین به افرادی که از بیماری‌های پیشرفته، صعب‌العلاج و غیرقابل بازگشت رنج می‌برند، اجازه می‌دهد تا در شرایطی که انتظار برود آنها بیش از ۶ ماه عمر نکنند، بتوانند با توصیه دو پزشک به صورتی داوطلبانه و با استفاده از داروهای ویژه‌ای به زندگی خود پایان دهند. پزشکان و پرستاران تنها کارکنان بخش بهداشت هستند که می‌توانند، موضوع مرگ داوطلبانه با کمک دیگران را با بیمار در میان بگذارند.

براساس این قانون، تنها کسانی می‌توانند درخواست کنند تا به صورت داوطلبانه به زندگی خود پایان دهد که بزرگسال و مبتلا به بیماری پیشرفته و کشنده باشند و کمتر از ۶ ماه زنده خواهند ماند (بسیار ۱۲ ماه برای بیماری‌های مرتبط با عصب مغزی). با این وجود درد و رنج فرد بیمار باید غیرقابل تحمل تشخیص داده شود و فرد بیمار باید از سلامت ذهنی برخوردار باشد.

آلیس و آلن کسلر، دوقلوهای مشهور دنیای موسیقی اروپا و چهره‌های محبوب تلویزیون ایتالیا در دهه ۱۹۶۰ در ۸۹ سالگی با خودکشی با همکاری دیگران در خانه‌شان در آلمان به زندگی‌شان پایان دادند. این دو خواهر سال گذشته گفته بودند «می‌خواهیم با هم برویم». آلیس و آلن کسلر، خواهران دو قلو خواننده و از چهره‌های مطرح موسیقی و تلویزیون اروپا در ۸۹ سالگی درگذشتند. این دو هنرمند که سال‌ها فعالیت‌شان در ایتالیا آنها را به نمادی از جذابیت و ظرافت هنری بدل کرده بود، مطابق خواست خود با مرگ خودخواسته به کمک دیگران در خانه‌شان در گروئالد در نزدیکی مونیخ به زندگی‌شان پایان دادند. آنها در ۲۰ آگوست ۱۹۳۶ در آلمان نازی به دنیا آمدند و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با هنرنمایی در زمینه رقص، آواز و بازیگری به شهرت جهانی رسیدند.

وگا وتسل، سخنگوی انجمن آلمانی «جامعه برای مرگ انسانی» اعلام کرد که آنها پس از ماه‌ها تصمیم‌گیری آگاهانه و بدون وجود هرگونه مشکل روانی، داروی پایان‌دهنده زندگی را در حضور یک پزشک و وکیل مصرف کردند. طبق رویه قانونی در آلمان، پلیس پس از وقوع مرگ برای بررسی شرایط در محل حاضر شد.

این دو خواهر سال گذشته در گفت‌وگویی با کوریبه دلاسرا گفته بودند: «آرزوی ما این است که با هم برویم؛ تصور اینکه یکی از ما زودتر برود، تحمل‌ناپذیر است». آنها همچنین ابراز کرده‌بودند که می‌خواهند، خاکسترشان در یک گور و در کنار مادر و سگشان دفن شود.

آلیس و آلن فعالیت هنری خود را از کودکی با باله اپرای لایپزیگ آغاز کردند. پس از مهاجرت خانواده‌شان از آلمان شرقی به دوسلدورف و ۱۶ سالگی، حرفه‌ای وارد عرصه موسیقی و رقص شدند و در سال ۱۹۵۹ نماینده آلمان غربی در یوروویژن بودند.

در واقع حرفه هنری آنها با باله در اپرای لایپزیگ آغاز شد و پس از فرار از آلمان شرقی به آلمان غربی در سال ۱۹۵۲ در کاباره لیدو پاریس به شهرت رسیدند. این دو خواهر در طول سال‌ها با چهره‌هایی چون فرانک سیناترا، فرد آستر و هری بلافوتته روی صحنه ظاهر شدند و نماینده آلمان غربی در مسابقه یوروویژن ۱۹۵۹ بودند. آنها بعدها به چهره‌هایی محبوب در صحنه سرگرمی اروپا به‌ویژه در ایتالیا تبدیل شدند. این دو خواهر در برنامه‌های تلویزیونی مهم آمریکا مانند شوی اد سالویان و ساعت رد اسکلتن حضور داشتند و در برنامه محبوب «استودیو اونو» شبکه RAI ایتالیا نیز شرکت کردند.

فیلم‌های سینمایی آنها شامل «سدوم و غموره» «اریک فاتح» و چندین فیلم آلمانی‌زبان دیگر است. آنها در دهه ۱۹۵۰ در لیدوی پاریس می‌درخشیدند و همان‌جا با الویس پریسلی آشنا شدند. کمی بعد به دعوت دان لوریو، طراح رقص آمریکایی - ایتالیایی وارد



جان بارت

پیشنهاد می‌کند.

۶ جوزف هلر: رمان «تبصره ۲۲» چندین داستان را بدون ترتیب زمانی روایت می‌کند و به آرامی داستان را با دادن اطلاعات جدید پیش می‌برد. هلر همچنین در این اثر پارادوکس (روش ادبی در بیان چیزی که با خودش در تضاد است اما واقعیتی نهفته در دل خود دارد) و فئارس (نوعی کم‌دی که در آن موقعیت‌های بی‌معنا به‌طرز مضحکی کنار هم قرار می‌گیرند) را برای هرچه پیچیده‌تر کردن داستان به‌کار می‌گیرد.

۷ گابریل گارسیا مارکز: رمان «صد سال تنهایی» مارکز نمونه‌ای شاخص از داستانی مضحک‌گونه است که داستان چند شخصیت پراکنده را در یک بازه زمانی طولانی روایت می‌کند تا بر کوچک بودن زندگی بشری تأکید کرده باشد.

۸ توماس پینچن: رمان «رنگین کمان جاذبه» که پینچن در سال ۱۹۷۳ منتشر کرد به‌عنوان فرزندخوانده ادبیات پست‌مدرن شناخته می‌شود که در آن با به‌کارگیری ساختاری پیچیده و پراکنده موضوعات مختلفی از جمله فرهنگ، علم، علوم اجتماعی، ناسزاگویی و ادب و نزاکت را مطرح کرده است. او در سال ۱۹۶۵ رمان «گریه‌کنان محوطه ۴۹» را نوشت و در آن اغلب در میان موضوعات بسیار جدی از بازی‌های کلامی ابلهانه استفاده کرده است.

۹ کورت ونه‌گات: رمان «سلاخ‌خانه شماره ۵» ونه‌گات روایتی غیرخطی است که در آن شخصیت اصلی داستان از قید بعد زمان رها شده و میان حال و آینده بدون اینکه بر رفتارهای خود کنترلی داشته باشد، در رفت‌وآمد است؛ این رمان بر ماهیت یهودی جنگ تأکید دارد.

۱۰ دیوید فاستر والاس: این نویسنده در سال ۱۹۹۶ رمان «شوخی بی‌پایان» را نوشت؛ والاس در این اثر از طریق درهم آمیختن نظر به‌های فکری مختلف و سبکی دانشنامه‌ای، شخصیت‌های خود را در وضعیتی پست‌مدرن میان انبوهی از یادداشت‌ها و پانویس‌های وسواس‌گونه گرفتار کرده است. «شاه رنگ‌پریده» (۲۰۱۱) با بهره‌گیری از شخصیتی با نام دیوید فاستر والاس، قصه‌ای به‌شدت فراداستانی را روایت می‌کند.



دیوید فاستر والاس

فرهنگ‌های سطح بالا و سطح پایین، یا نوشتن درباره موضوعاتی که پیش‌تر ناشایست تلقی می‌شد، بودند.

۱۰ نویسنده برجسته پست‌مدرن

۱ جان بارت: او در سال ۱۹۶۷ مقاله‌ی ادبی - انتقادی نوشت با عنوان «ادبیات خستگی» و در آن تمامی نوشته‌های نویسندگان را فقط تقلیدی از پیرامون آن‌ها توصیف می‌کند و نه اثری خلافتانه؛ از نظر بسیاری این مقاله به عنوان دکنین ادبیات پست‌مدرن تلقی می‌شود. چهارمین رمان بارت، «ژیل پسر - بزی» نمونه‌ای شاخص از یک شخصیت فراواقعی ارائه می‌کند و در چندین جا در آغاز و پایان داستان تأکید می‌کند که این کتاب را نویسنده، نوشته بلکه روی نواری ضبط‌شده به نویسنده داده شده یا توسط رایانه نوشته شده است.

۲ ساموئل بکت: تئاتر بی‌معنایی بکت بر فروپاشی روایت در داستان تأکید داشت. او در نمایش‌نامه «در انتظار گودو» (۱۹۵۳) داستان دو شخصیت را روایت می‌کند که در انتظار شخصیت مجهولی به نام گودو روز خود را با گفت‌وگویی بیهوده و بی‌معنا سپری می‌کنند؛ درحالی که هیچگاه هویت گودو مشخص نمی‌شود.

۳ ایتالو کالوینو: رمان او با عنوان «اگر مسافری در شبی زمستانی» (۱۹۷۹) نمونه‌ای عالی است از فراروایت؛ تمام کتاب درباره‌ی شخصی است که تلاش می‌کند، رمانی با نام «اگر مسافری در شبی زمستانی» را بخواند.

۴ دان دلپسو: او در رمان به‌شدت پراکنده و تکه‌تکه «دنیای زیرین» داستان مدیر تبلیغاتی در نیویورک دوران ریاست جمهوری نیکسون را روایت می‌کند و در آن به بررسی ظهور سرمایه‌داری، رکود تولید در آمریکا، کارکرد سازمان جاسوسی این کشور (سیا) و حقوق مدنی می‌پردازد. رمان «صدای سفید» او (۱۹۸۵) بازتعریفی است از پست‌مدرنیسم از طریق تشریح مصرف‌گرایی و بمباران شخصیت‌ها با بی‌معنایی محض.

۵ جان فاولز: رمان «خانم ستوان فرانسوی» رمانی تاریخی است با تأکید بر فراواقعیت. کتاب روایت‌گر شخصی است که خود بخشی از داستان است و چندین روش برای پایان دادن به داستان

را به قلب حادثه فرستاده است تا هم مضطرب شویم و هم فکر کنیم. بیگلو اینجا هم هدف مشابهی در دنبال می‌کند، می‌خواهد فیلمی بسازد که هم پرتش است و هم تأمل‌برانگیز اما برخلاف ساخته‌های پیشین، جایی میان این دو گیر می‌کند.

در واقع ماجرا از شلیک یک موشک از ناکجاآباد به سمت آمریکا آغاز می‌شود، در همین حین رقابتی نفس‌گیر در تمام دنیا شکل می‌گیرد تا مشخص شود چه کسی پشت این حمله است، حمله‌ای که مشخص نیست چه پاسخی باید به آن داده شود. ابتدا مشخص نیست که هدف این شلیک کجاست اما خیلی زود مشخص می‌شود که مقصد جایی در شیکاگوست.

بیگلو احتمالاً با تکیه بر این ساختار روایی، قصد داشته تا سردرگمی و ناکارآمدی مسئولان عالی‌رتبه در واکنش به بحران را در چند مرحله پررنگ کند؛ اما در اجرا، فیلم صرفاً به تکرار



گفت‌وگوهایی ختم می‌شود که از قبل می‌دانیم به نتیجه‌ای نمی‌رسند. از طرف دیگر، کلیت خط داستانی فرعی «باید پاسخ بدهیم» هم غیرمنطقی است. آنها در حالی که نمی‌دانند از طرف چه کشوری مورد حمله قرار گرفته‌اند، می‌خواهند جهان را به خاک و خون بکشند. در شرایطی که احتمالاً با بررسی شواهد (بر فرض اینکه موشک هسته‌ای مذکور واقعاً منفجر شده باشد) می‌توانستند به سرنخ برسند و بفهمند کدام کشور این حمله را ترتیب داده است. مشخص نیست که چرا فیلم می‌خواهد این تصور را ایجاد کند که «این حمله باید در چند دقیقه پاسخ داده شود» در حالی که مثلاً پس از حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، آمریکا حدود یک ماه بعد به افغانستان حمله کرد.

«خانه‌ای از دینامیت» به طور مشخص می‌خواهد روی چند مسئله تأکید کند: اولی ناکارآمدی و عدم آمادگی همه افرادی است که درگیر چنین مسئله‌ای و تصمیم‌ساز پاسخ یا واکنش به این ماجرا هستند. آنچه می‌بینیم این است که درنهایت همه سربازان یا کارکنان «اتاق وضعیت» با اینکه هزاران بار تمرین کرده‌اند اما دستپاچه و پراستیصال‌اند. ژنرال‌ها و حتی خود رئیس‌جمهور هم چندان آماده نیستند و انگار فکر نمی‌کردند که به شکلی واقعی در این وضعیت قرار بگیرند. وزیر دفاع هم که خودکشی می‌کند!

یکی از محورهای اساسی فیلم این است که حتی با میلیاردها دلار هزینه در سامانه‌های دفاع موشکی، شانس موفقیت در رهگیری کامل یک موشک هسته‌ای چندان بالا نیست. در دیالوگی کلیدی، معاون مشاور امنیت ملی اعلام می‌کند، احتمال موفقیت تنها ۶۱ درصد است. این موضوع باعث عصبانیت وزیر دفاع می‌شود که فریاد می‌زند: «پس همه چیز یک شیر یا خط لعنتی است؟ این نتیجه ۵۰ میلیارد دلار هزینه است؟» در واقع در فیلم روی همان ماجرای «۶۱ درصد» نیز تأکید می‌شود. اینکه ۵۰ میلیون دلار هزینه و این همه پروپاگاندا درنهایت چندان چیز قابل اعتمادی نیست. رئیس‌جمهور هم درنهایت نمی‌تواند - یا به‌سختی بسیار می‌تواند - به تصمیم نهایی برسد.

فیلم تلاش می‌کند با چنین جملاتی به مخاطب القا کند، امنیتی که آمریکا به آن می‌بالد تا حد زیادی توهمی بیش نیست. تهدید هسته‌ای همچنان سایه‌ای سنگین بر جهان دارد و هیچ کشوری نمی‌تواند، مطمئن باشد که از آن مصون است.



تحلیل اقتصادی

گره‌گشایی از نوآوری

رفع دغدغه‌های قضایی استارت‌آپ‌ها چه نتایجی دارد؟

مهابت شهریری

خبرنگار سازندگی

رئیس قوه قضائیه با تأکید بر لزوم کاهش پرونده‌های قضایی استارت‌آپ‌ها اعلام کرد که بخش بزرگی از این اختلافات با اصلاح خطا، مذاکره و بهره‌گیری از نظرهای تخصصی قابل حل است؛ اظهاراتی که در کنار طرح چالش‌های حقوقی گسترده کسب‌وکارهای نوآفرین، نبود قوانین به‌روز تا سوء تفاهم‌های قضایی درباره مدل‌های پلتفرمی، بار دیگر ضرورت بازنگری در شیوه مواجهه نظام حقوقی با اقتصاد دیجیتال را برجسته می‌کند.

چالش‌های قضایی استارت‌آپ‌ها معمولاً از ترکیب نو بودن مدل‌های کسب‌وکار، ابهام‌های قانونی و نبود تجربه کافی در نهادهای نظارتی و قضایی شکل می‌گیرد. بسیاری از استارت‌آپ‌ها به دلیل فعالیت در حوزه‌هایی که قوانین آن هنوز به‌روز نشده یا اصلاً وجود ندارد با اتهام‌هایی مانند فعالیت بدون مجوز، نقض مقررات یا ایجاد اختلال در بازار روبه‌رو می‌شوند. بخشی دیگر از مشکلات به اختلافات با کاربران مربوط است؛ از شکایت‌های مربوط به تضییع حقوق مصرف‌کننده و عدم شفافیت در شرایط خدمات گرفته تا مسائل مربوط به حریم خصوصی، انتشار داده و نگهداری اطلاعات. در حوزه مالی نیز چالش‌هایی مانند فرار مالیاتی، عدم شفافیت در تراکنش‌ها یا برداشت نادرست از مدل‌های درآمدی سبب تشکیل پرونده‌های متعدد می‌شود. رقابت میان کسب‌وکارهای سنتی و پلتفرم‌های دیجیتال نیز منشأ برخی شکایت‌هاست؛ به‌ویژه زمانی که ذی‌نفعان سنتی با توسل به ابزارهای حقوقی تلاش می‌کنند، روند فعالیت استارت‌آپ‌ها را متوقف یا محدود کنند. از سوی دیگر، ناآشنایی برخی دادستان‌ها و قضات با ماهیت فنی و پیچیدگی‌های مدل‌های پلتفرمی باعث می‌شود، تصمیم‌ها مبتنی بر درک ناقص از سازوکارهای این کسب‌وکارها باشد و همین امر روند رسیدگی را دشوارتر می‌کند.

اختلافات درون‌سازمانی میان بنیان‌گذاران، سهام‌داران یا کارکنان همچنین مشکلات مربوط به مالکیت فکری، سوء استفاده از برند و کی‌برداری از ایده نیز از دیگر زمینه‌های رایج تشکیل پرونده‌های قضایی برای شرکت‌های نوآفرین به شمار می‌آید. رئیس قوه قضائیه در نشست بررسی چالش‌های قضایی شرکت‌های نوآفرین با اشاره به جلسه اخیر سران قوا با جمعی از فعالان اقتصاد دیجیتال تأکید کرد، بخش مهمی از پرونده‌های قضایی استارت‌آپ‌ها قابل پیشگیری و حل‌وفصل است و برای کاهش این پرونده‌ها باید مجموعه‌ای از اقدامات عملی در دستور کار قرار گیرد. آقای محسنی‌اژه‌ای تشکیل هیات‌های ۳ تا ۵ نفره از سوی استارت‌آپ‌ها برای مذاکره و اخذ رضایت از شاکیان خصوصی را یکی از راهکارهای مؤثر برشمرد و گفت این سازوکار می‌تواند بسیاری از اختلافات را پیش از ورود رسمی به چرخه قضایی برطرف کند. او همچنین تأکید کرد در مواردی که کسب‌وکار نوآفرین، خطای خود را صریحاً اعلام و آن را اصلاح کند و همراه با عذرخواهی رسمی در جهت جبران اقدام کند، مدعی‌العموم نیز باید از ظرفیت مساعدت‌های قانونی برای کمک به حل پرونده بهره گیرد.

رئیس قوه قضائیه با اشاره به اینکه اجرای چنین تدابیری می‌تواند به شکل محسوسی از تعداد پرونده‌های قضایی مرتبط با استارت‌آپ‌ها بکاهد، افزود دادستان‌ها و قضات نیز باید در رسیدگی به این پرونده‌ها از نظرات کارشناسی و تخصصی فعالان حوزه‌های نوآوری و اقتصاد دیجیتال استفاده کنند تا تصمیم‌ها دقیق‌تر و متناسب‌تر اتخاذ شود. به گفته محسنی‌اژه‌ای، اجرای این مجموعه تمهیدات و رویکردهای جدید ابتدا در دادگستری و دادستانی تهران آغاز خواهد شد و در صورت موفقیت، قابلیت تعمیم به دیگر استان‌ها را خواهد داشت.

رفع دغدغه‌های قضایی استارت‌آپ‌ها می‌تواند، پیامدهای مهمی برای اقتصاد و فضای نوآوری کشور داشته باشد. نخست اینکه اطمینان حقوقی بیشتری برای کارآفرینان ایجاد می‌شود و آنان می‌توانند بدون ترس از ابهام‌های قانونی و تشکیل پرونده‌های ناخواسته، مدل‌های جدید کسب‌وکار را آزمایش و اجرا کنند؛ این موضوع سرعت نوآوری را بالا می‌برد و مانع فرار استعدادها و سرمایه‌ها می‌شود. کاهش اصطکاک‌های قضایی همچنین به شفاف‌تر شدن روابط میان پلتفرم‌ها، کاربران و نهادهای نظارتی کمک می‌کند و باعث می‌شود، اختلافات کوچک پیش از ورود به مسیر طولانی رسیدگی قضایی، حل‌وفصل شوند. از سوی دیگر وقتی دادستان‌ها و قضات با ماهیت فنی و منطق اقتصادی استارت‌آپ‌ها آشناتر شوند، تصمیم‌های صادره دقیق‌تر، عادلانه‌تر و متناسب‌تر خواهد بود و همین امر اعتماد فعالان اقتصاد دیجیتال به نظام حقوقی را تقویت می‌کند. نتیجه این فرآیند، کاهش هزینه‌های غیرضروری، تسهیل رشد شرکت‌های نوآور، جذب سرمایه‌گذاری بیشتر داخل و خارج و درنهایت تقویت سهم اقتصاد دیجیتال در تولید و اشتغال کشور است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

نوسازی گمرک روی میز وزیر

آیا مدنی‌زاده می‌تواند وعده ترخیص ۳روزه کالاها را عملی کند؟

سعید مشهوری

خبرنگار سازندگی

سعیدعلی مدنی‌زاده از رویارویی با رسانه‌ها گریزان است و ذاتاً اهل حضور در فضای عمومی نیست. به همین دلیل تلقی این است که مدنی‌زاده هم مثل وزرای پیشین اقتصاد، اهل نوآوری نیست و کاری نمی‌کند؛ اما شواهد خلاف این دیدگاه را می‌گویند.

بیابید امروز به جایی برویم که همواره بن‌بست تجاری دولت‌ها بوده است. گمرک، درگاه دیده‌شده اقتصاد ایران است؛ همان جایی که هر تصمیم ارزی، تجاری و تحریمی، درنهایت به‌صف کامیون‌ها و کانتینر‌ها ترجمه می‌شود. در چند ماهه اخیر وزارت اقتصاد با محوریت سعیدعلی مدنی‌زاده،

گمرک را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی «تحول اقتصادی» معرفی کرده و عملاً بخشی از سرمایه سیاسی خود را پای اصلاح این گلوگاه گذاشته است. گزارش‌های رسمی نیز تأکید می‌کنند که «تحول گمرک» در فهرست پروژه‌های اصلی وزارت اقتصاد قرار گرفته است. در دل این برنامه، تمرکز بر دو محور اصلی قرار دارد: «شفافیت» و «یکپارچگی داده‌ها». مدیران نزدیک به مدنی‌زاده می‌گویند، او از همان روزهای نخست، اصلاح گمرک را نه یک پروژه اداری بلکه یک «تعهد سیاسی» تلقی کرده است؛ تعهدی که باید بدون سروصدا اما با عمق و پایداری پیش برود. شاید به همین دلیل است که برخلاف سنت رایج، وزارت اقتصاد

کمتر به برگزاری نشست‌های پرزرق‌وبرق یا انتشار وعده‌های مبهم درباره تحول گمرکی روی آورده و بیشتر بر هماهنگی میان دستگاه‌ها، به‌روزرسانی سامانه‌ها و حذف رویه‌های پرهزینه تمرکز کرده است. کارشناسانی که از نزدیک روند را دنبال می‌کنند، می‌گویند گره‌های قدیمی گمرک معمولاً نه از جنس سخت‌افزاری بلکه از جنس ناهماهنگی‌های نهادی، موازی‌کاری، تعارض منافع و نبود جریان یکپارچه اطلاعات بوده است. تلاش تازه وزارت اقتصاد، رفع همین نقاط کور است؛ نقاطی که سال‌ها به دولت‌ها اجازه داده بود، مشکلات تجارت خارجی را پشت عباراتی کلی مانند «اختلالات سامانه‌ای» یا «کمبود هماهنگی بین دستگاه‌ها» پنهان کنند. اکنون با فشار برای یکپارچه‌سازی سازوکارهای نظارتی و تجاری، گمرک به جای آنکه صرفاً محل عبور کالا باشد به تدریج به یک مرکز تحلیل و تصمیم‌سازی تبدیل می‌شود. البته مسیر تحول، بی‌حاشیه نیست. مقاومت بخشی از بدنه اداری، اختلاف‌نظر دستگاه‌های مرتبط و فشار ذی‌نفعانی که از وضعیت مبهم گذشته سود می‌برند، روند را کند می‌کند؛ اما روایت‌های درون‌سازمانی نشان می‌دهد،

بازار سهام

بازار سبز

چرا بازار سهام با رشد همراه شد؟

نسرين خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات دیروز با سبزپوشی ضعیف شاخص‌ها و تثبیت روند معاملاتی همراه شد. شاخص کل بورس با رشد ۷ هزار و ۶۸۵ واحدی معادل ۰،۲۴ درصد در تراز ۳ میلیون و ۱۶۷ هزار و ۸۶۶ واحد قرار گرفت. در همین حال، شاخص کل هم‌وزن نیز با افزایش ۲ هزار و ۶۵۰ واحدی معادل ۰،۲۹ درصد به سطح ۹۲۳ هزار و ۶۷۶ واحد رسید تا نشان دهد، جریان نقدینگی در بخش وسیع‌تری از بازار در حال گردش است. جریان متعادل تقاضا در مجموع موجب شد برخلاف نوسانات ابتدایی بازار در ادامه معاملات فضای خرید بر بسیاری از گروه‌ها غلبه کند. افزایش هم‌زمان هر دو شاخص اصلی نشان‌دهنده آن است که نه‌تنها نمادهای بزرگ بلکه شرکت‌های

مدنی‌زاده روش خاص خود را در پیش گرفته است: تمرکز بر مسائل زیرساختی، پرهیز از تصمیمات هیجانی و اولویت دادن به اصلاحاتی که شاید در کوتاه‌مدت دیده نشود اما در بلندمدت بنیان ناکارآمدی را نشانه می‌رود. همین الگوی کم‌حاشیه، آهسته و پیوسته است که به تدریج تصور عمومی درباره «غیرفعال بودن» او را تغییر می‌دهد و نشان می‌دهد، برخی تحولات مهم لزوماً با صدای بلند همراه نیستند. نقطهٔ کانونی این تحول، طرح نوسازی و هوشمندسازی گمرکات است. پس از دستور رئیس‌جمهور برای نوسازی مرزها و خرید دستگاه‌های ایکس‌ری، وزیر اقتصاد از آغاز یک برنامهٔ مرحله‌ای خبر داده که شامل تجهیز گمرکات اصلی به ایکس‌ری هوشمند، بازطراحی محوطه‌های مرزی و ایجاد گمرکات مشترک با کشورهای همسایه است. در کنار این سخت‌افزار، ایده «مدیریت واحد مرزی» و کاهش تداخل



بیش از ۲۰ نهاد مستقر در مرزها به‌عنوان محور نخست طرح تحول معرفی شده؛ محوری که اگر جدی گرفته شود به‌مراتب مهم‌تر از خرید چند دستگاه ایکس‌ری است. در لایهٔ نرم‌افزاری، وزارت اقتصاد روی «سامانه جدید گمرکی» و تکمیل پروژه «پنجره واحد تجارت فرامرزی» سرمایه‌گذاری می‌کند؛ سامانه‌ای که وزیر پیشین اقتصاد، وعده بهره‌برداری کامل آن را داده بود و اکنون دولت چهاردهم، آن را به‌عنوان زیرساخت اصلی گمرک هوشمند دنبال می‌کند. هم‌زمان، کاهش بار «بخشنامه‌محوری» و تمرکز بر قواعد پایدارتر در دستور کار قرار گرفته و بنا بر اعلام رسمی، تعداد بخشنامه‌های گمرکی در یک سال حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد کاهش یافته است؛ اقدامی که در صورت استمرار، می‌تواند بخشی از نااطمینانی مزمن فعالان تجاری را کاهش دهد. گام بعدی، ورود هوش مصنوعی به فرآیند ترخیص است. گمرک ایران اعلام کرده با استفاده از تحلیل داده و تصویر، می‌تواند بخش بزرگی از ارزیابی کالاها را به الگوریتم‌های هوشمند بسپارد؛ هدف این است که زمان ترخیص برخی اقلام از چند روز به چند ساعت کاهش یابد و مسیر سبز، مبتنی بر

ریسک واقعی، نه روابط غیررسمی، شکل بگیرد. در امتداد همین رویکرد، وزیر اقتصاد وعده داده است که «ترخیص سه روزه» کالا از گمرکات به‌زودی محقق شود و برای این هدف، مذاکراتی با بانک مرکزی دربارهٔ تخصیص ارز و هم‌زمان، اصلاح قانون گمرکی در جریان است. آمارهای منتشر شده از کاهش رسوب کالا در گمرکات و بندرها در مدت زمان کمتر از ۶ ماه حضور مدنی‌زاده در وزارت اقتصاد، نشانه‌ای است که دولت برای دفاع از این سیاست‌ها به آن استناد می‌کند؛ به‌طور مثال در مقطع ابتدایی ۱۴۰۲ کاهش حدود ۱۵ درصدی رسوب کالا گزارش شده و در ماه‌های اخیر نیز بر نقش هوشمندسازی در کوتاه کردن صف‌ها و کاهش هزینه‌ها تأکید شده است. با این حال هنوز بخش قابل‌توجهی از کالاها، نه به خاطر کندی گمرک بلکه به دلیل تأخیر در تخصیص ارز، صدور مجوز از نهادهای دیگر و ابهام در سیاست‌های

وارداتی در انبارها می‌مانند؛ جایی که مرز بین «مشکل گمرکی» و «مشکل سیاست‌گذاری کلان» عملاً محو می‌شود. در سطح سیاست‌گذاری، تأسیس «ستاد تحول گمرکات کشور» در وزارت اقتصاد، نشانه‌ای از تلاش برای نگاه یکپارچه‌تر است. این ستاد ۴ محور را دنبال می‌کند: مدیریت یکپارچه مرزی، آمایش گمرکی (تمرکز بر حدود ۱۰ گمرک اصلی)، هوشمندسازی و گسترش توافقات منطقه‌ای همراه با اصلاح سیاست‌های ارزی و تجاری. این چارچوب، روی کاغذ، منطقی و همسو با تجربه کشورهای موفق در تسهیل تجارت است؛ اما موفقیت آن به توان وزارت اقتصاد در هماهنگ کردن دستگاه‌هایی مانند بانک

مرکزی، وزارت صمت، استانداری‌ها و... گره خورده است؛ دستگاه‌هایی که هر کدام منافع و ملاحظات خود را دارند. جمع‌بندی آن است که اقدامات وزیر اقتصاد در حوزه گمرک در مقایسه با بسیاری از سیاست‌های پراکنده سال‌های گذشته، ساختارمندتر و فناوری‌محورتر شده است. نوسازی تجهیزات، هوشمندسازی سامانه‌ها، کاهش بخشنامه‌ها و طرح ترخیص سه‌روزه، همگی از جنس اصلاحات نهادی‌اند و نه صرفاً مُسکن‌های مقطعی؛ اما فاصله میان «سامانه» و «تجربه فعال اقتصادی» همچنان قابل‌توجه است. اگر وزارت اقتصاد بتواند، شاخص‌های عینی مانند متوسط زمان ترخیص، هزینه اداری هر کانتینر، سهم مسیر سبز و میزان رسوب کالا را به‌صورت شفاف و دوره‌ای منتشر کند و به بهبود پیوسته آن متعهد بماند، گمرک می‌تواند به یکی از معدود میدان‌هایی تبدیل شود که در آن، شعار «تحول» به زبان عدد و تجربه روزمره ترجمه می‌شود؛ در غیر این صورت، خطر آن وجود دارد که گمرک هوشمند هم به فهرست بلند سامانه‌هایی بپیوندد که در آنها فناوری جدید بر همان مناسبات قدیمی سوار شده است.

سرمایه‌گذاران رویکرد محتاطانه را ترجیح می‌دهند و نقدینگی خود را به سمت ابزارهای کم ریسک حرکت می‌دهند. این رویکرد اگرچه کاهش ریسک را تضمین می‌کند اما سرعت تقویت جریان نقدینگی در سهام را محدود می‌کند. با این حال توان دیروز خریداران در بازار سهام نشان داد که خروج بخشی از پول به سمت درآمد ثابت، مانع اصلی رشد بازار نبود. در پایان معاملات، تعداد نمادهای مثبت به ۵۰۶ رسید و در مقابل تنها ۳۱۱ نماد در محدوده منفی معامله شدند. این پراکندگی، بازاری یکپارچه و متعادل را نشان می‌دهد که در آن بخش عمده‌ای از صنایع با بهبود قیمت همراه بودند. چنین الگویی معمولاً در روزهایی دیده می‌شود که خریداران با قدرت بیشتری نسبت به فروشندگان ظاهر می‌شوند.

در دقیقه پایانی معاملات ارزش سفارش‌های خرید به یک هزار و ۴۱۷ میلیارد تومان رسید که در مقابل سفارش‌های فروش که حدود ۵۷۷ میلیارد تومان بود، اختلاف قابل‌توجهی دارد. این فاصله نشان می‌دهد، تقاضا در عمق بازار فعالانه‌تر عمل کرده و بسیاری از نمادها با صف‌های خرید یا سفارش‌های پر حجم از سوی خریداران مواجه شده‌اند. صف‌های خرید دیروز به ۱۲۴ نماد رسید، درحالی‌که تعداد صف‌های فروش تنها ۵۳ نماد بود. کاهش فشار فروش و افزایش تقاضا در محدوده‌های قیمتی جذاب، یکی از عوامل اصلی سبزپوشی شاخص‌ها بود.

کوچک و متوسط نیز با استقبال نسبی خریداران مواجه شده‌اند. بررسی داده‌های معاملاتی نشان می‌دهد حجم معاملات سهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی به ۱۸،۸ میلیارد واحد رسید و ارزش معاملات نیز به سطح ۷ هزار و ۷۸۸ میلیارد تومان نزدیک شد. همچنان ارزش معاملات پایین محسوب می‌شود و این سیگنال خوبی برای سرمایه‌گذاران نیست. حدود ۱۲۰ میلیارد تومان پول هم از بازار خارج شد. سرانه خرید حقیقی‌ها در معاملات دیروز ۵۴،۳ میلیون تومان و سرانه فروش ۴۰،۸ میلیون تومان ثبت شد. برتری آشکار سرانه خرید نسبت به فروش باعث شد، قدرت خرید حقیقی‌ها به عدد ۱،۳۳ برسد که نشان‌دهنده تحرک جدی‌تر سرمایه‌گذاران خرد در سمت تقاضاست. این رفتار معمولاً در روزهای پایانی هفته کمتر مشاهده می‌شود اما دیروز نشانه‌ای از بازگشت اطمینان نسبی به بازار بود. ورود ۳۰ میلیارد تومان پول به صندوق‌های درآمد ثابت یکی از نکات مهم دیروز بازار بود. با وجود رشد شاخص‌ها، بخشی از

لجبازی با مردم؟

ساخت و ساز اطراف کاخ گلستان با وجود دستور توقف وزیر میراث از سر گرفته شده است

گروه اجتماعی: پروژه تجاری «مروی سنتر» (خان عالی) که در کوچه مروی و در نزدیکی مجموعه جهانی کاخ گلستان واقع شده است، پس از دستور توقف وزیر میراث فرهنگی در ۲۳ آبان دوباره از سر گرفته شده است. فعالان میراث فرهنگی گزارش داده‌اند که دیروز عملیات ساخت‌وساز با شدت بیشتری ادامه یافته و ستون‌ها و تیرها نصب شده‌اند. این درحالی است که پیش‌تر معاون میراث استان تهران با دستور وزیر میراث فرهنگی گفته بود که «کار متوقف شده است». طی روزهای گذشته یک کارزار با عنوان «نجات کاخ گلستان و محله عودلاجان» بیش از ۴۲۰۰ امضا جمع‌آوری کرده و خواستار توقف فوری این پروژه‌ها شده است. کاخ گلستان تنها اثر ثبت‌شده تهران در فهرست میراث جهانی یونسکو است و محله تاریخی عودلاجان در اطراف آن (۱۴۹ هکتار با حدود ۵۱۰۰ پلاک و ۶۰ بنای ثبت‌شده) جزو ارکان هویت تاریخی شهر محسوب می‌شود.

پروژه «مروی سنتر» شامل دو طبقه روی زمین و چهار طبقه زیرزمین است که تا عمق حدود ۱۷ متر حفاری خواهد شد. این پلاک در محدوده حریم درجه یک کاخ جهانی گلستان و در فاصله کمتر از ۲۵ متر از «قنات مهرگرد» ۷۰۰ ساله قرار دارد. مطالعات مرکز تحقیقات راه و مسکن و سازمان بحران تهران، نشان داده‌اند که این محدوده در «پهنه بسیار پرخطر فرونشست» قرار دارد. کارشناسان هشدار داده‌اند که حفر چنین عمقی می‌تواند، قنات‌ها را مسدود کرده و باعث نشست و ترک بناهای تاریخی مانند شمس‌العماره، عرصه کاخ گلستان و بافت پیرامون آن شود.

جامعه

سفیدشویی قداره‌کش

گزارش سازندگی درباره مصاحبه واشقانی با هانی کرده، یکی از بزرگ‌ترین اراذل اوباش تهران



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

برنامه «ژک» با اجرای مجید واشقانی، که پیش از این با دعوت از هنرمندان و چهره‌های مختلف شناخته شده بود، اخیراً با مصاحبه جنجالی‌اش با هانی کرده، یکی از اراذل شناخته‌شده تهران، وارد حاشیه شده است. این مصاحبه که به سرعت از یوتیوب حذف شد و واکنش‌های زیادی در فضای مجازی به دنبال داشت به عنوان نمونه‌ای از «سفیدشویی اراذل و اوباش» مورد انتقاد قرار گرفت. هانی کرده با سابقه بازداشت‌های متعدد، در این برنامه با افتخار از زندگی‌اش به عنوان «بچه‌لات» سخن گفت و حتی از برخی رفتارهای مجرمانه خود به طعنه یاد کرد. منتقدان این اقدام را نه تنها تقویت فرهنگ خشونت و جرم بلکه به نوعی عادی‌سازی آن برای جامعه می‌دانند. آنها بر این باورند که رسانه‌ها باید با دقت بیشتری محتوای خود را انتخاب کنند تا از تبدیل شدن مجرمان به چهره‌های شناخته شده و جذاب جلوگیری کنند. این جنجال، سوالات جدی را در مورد مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها و نقش آنها در شکل‌دهی به فرهنگ عمومی مطرح می‌کند.

احمدرضا فتوت، پژوهشگر فوق دکتری روانشناسی در گفت‌وگو با سازندگی می‌گوید برخی برای معروف شدن، ارزش‌ها را تبدیل به ضد ارزش می‌کنند. او می‌گوید: امروزه بسیاری از رفتارهای اجتماعی که انسان‌ها پید می‌گیرند، تحت تأثیر الگوهای خاصی شکل می‌گیرند که در جامعه به محبوبیت و پذیرش می‌رسند. این الگوها می‌توانند از محیط خانواده، رسانه‌ها یا حتی محیط‌های اجتماعی مختلف سرچشمه بگیرند. در بسیاری از موارد، وقتی رفتاری در جامعه تقویت می‌شود، افراد به‌طور ناخودآگاه به آن تمایل پیدا می‌کنند و آن را به‌عنوان الگوی برای خود برمی‌گزینند. به‌طور خاص، رسانه‌ها نقش بزرگی در ترویج و شکل‌دهی به این الگوها دارند.

او ادامه می‌دهد: یکی از رفتارهایی که در رسانه‌های ایرانی به‌ویژه در فیلم‌ها و سریال‌ها مشاهده می‌شود، سیگار

یکی دیگر از پروژه‌ها، بازار بزرگ طلا و جواهر «خاورمیانه» است که در یک بن‌بست کوچک کنار کاخ گلستان احداث می‌شود و مجوز چهار طبقه زیرزمین دریافت کرده است. این مجوز در ازای کوتاه آمدن مالک نسبت به یک طبقه ارتفاع ملک مجاور کاخ صادر شده است. ساخت این پروژه تقریباً به پایان رسیده و واکنش‌ها به آن در رسانه‌ها و مجلس افزایش یافته است.

از سال ۹۵ تا ۹۹ چند پروژه دیگر نیز در اطراف کاخ گلستان جنجال‌آفرین شدند از جمله مجتمع تجاری «پاساژ خلیج‌فارس» در تکیه دولت و یک رستوران سنتی در مجاورت دیوار کاخ گلستان که با پروانه‌های ساخت بلندمرتبه موافقت شده بود. این مجوزها خلاف ضوابط میراث اعلام شده بودند و حتی شورای شهر تهران در سال ۹۷ نسبت به صدور آنها هشدار داد. برخی از این پروانه‌ها پس از پیگیری‌ها کاهش ارتفاع یافتند اما به نظر می‌رسد که صدور مجوزهای «عمقی» در محدوده بازار و عودلاجان به رویه‌ای جدید تبدیل شده است.

فعالان میراث و اهالی محله این اقدامات را «عدم رعایت قواعد حفاظتی» ارزیابی می‌کنند. کارزاری که اخیراً راه‌اندازی شده به «چراغ سبز شهرداری و میراث به سرمایه‌داران» اعتراض کرده و تداوم ساخت‌وسازهای زیرسطحی بدون مطالعه باستان‌شناسی را مصداق «بلع تاریخ پایتخت» دانسته است. دکتر فرشید مصدقی، از باستان‌شناسان ارشد تهران، اشاره می‌کند که بقایای چند هزار ساله در عمق کم در بافت‌های تاریخی قبلاً کشف شده‌اند بنابراین هر گودبرداری

کشیدن است. در حالی که در کشورهای دیگر، رسانه‌ها از نمایش سیگار کشیدن به‌ویژه در فیلم‌ها خودداری می‌کنند تا تأثیر منفی بر جوانان نگذارد، در ایران، سیگار کشیدن حتی در فیلم‌های با شخصیت‌های مثبت هم به‌صورت طبیعی و بدون پیامد منفی به تصویر کشیده می‌شود. این امر باعث شده است که سیگار کشیدن به‌عنوان یک رفتار عادی و حتی گاهی ارزشمند شناخته شود.

به گفته او؛ این روند در حالی اتفاق می‌افتد که در کشورهای همسایه، به‌رغم مصرف رایج سیگار، رسانه‌ها عمداً از نمایش این رفتار پرهیز می‌کنند. در ایران اما به‌دلیل تلاش برای «واقع‌گرایی» این رفتارها در فیلم‌ها و سریال‌ها ترویج می‌شوند بدون اینکه پیامدهای منفی آن برای بیننده‌ها مشخص شود. در چنین شرایطی، شخصیت‌های مثبت در فیلم‌ها بدون هیچ دغدغه‌ای سیگار می‌کشند و این مسئله باعث می‌شود که سیگار کشیدن به‌عنوان یک ویژگی منفی یا خاص شناخته نشود.

فتوت می‌گوید: این الگوها به‌ویژه بر مخاطبان جوان تأثیرگذار هستند و ممکن است، باعث شوند که این افراد به‌طور ناخودآگاه به این رفتارها گرایش پیدا کنند. از این رو ضروری است که رسانه‌ها با دقت بیشتری به نمایش رفتارهای اجتماعی بپردازند و پیامدهای منفی برخی از این رفتارها را به‌طور شفاف نشان دهند. همچنین باید به‌جای ترویج رفتارهای منفی، رسانه‌ها باید بر الگوهای مثبت تأکید کنند و آموزشی در زمینه سلامتی و رفتارهای اجتماعی صحیح به‌ویژه برای نسل جوان ارائه دهند.

عادی‌سازی خشونت

تقی‌زاده ارمکی هم در گفت‌وگو با سازندگی می‌گوید، وقتی چنین گفت‌وگوهایی مورد اقبال جامعه قرار می‌گیرد؛ یعنی جامعه درگیر شکل شدید و فاجعه‌بار خشونت است. او توضیح می‌دهد: امروزه در جامعه ما شاهد اشکال مختلفی از خشونت هستیم که از خشونت‌های کلامی و رفتاری گرفته تا خشونت‌های پنهان در درون خانواده‌ها را شامل می‌شود. متأسفانه این رفتارها به تدریج در جامعه عادی شده و به‌عنوان بخشی از رفتارهای پذیرفته شده، تلقی می‌شوند. در چنین

عمیق در بافت قدیمی تهران احتمال نابودی لایه‌های تاریخی مهم را به همراه دارد. با این وصف هیچ مطالعه زمین‌شناسی یا باستان‌شناسی قابل توجهی پیش از آغاز این پروژه‌ها صورت نگرفته است.

مقامات دولتی نیز واکنش‌های اضطرابی نشان داده‌اند. معاون عمرانی فرماندار تهران اعلام کرده که پرونده صدور مجوز این پروژه‌ها در شورای فنی میراث فرهنگی بررسی می‌شود و در صورت یافتن «هرگونه بی‌ضابطه‌گی» موضوع را به سایر دستگاه‌ها خواهد برد. وی تصریح کرده که حتی اگر مجوزها به شکل قانونی صادر شده باشند این موضوع «به‌صورت دقیق‌تر بازنگری» خواهد شد. وزیر میراث فرهنگی نیز دستور تشکیل کمیته ویژه و پیگیری قضایی را صادر کرده

شرایطی، به‌ویژه در فضای رسانه‌ای، این نوع رفتارها نه تنها نادیده گرفته نمی‌شوند بلکه تقویت هم می‌شوند. به‌عنوان مثال، برخی از تولیدکنندگان محتوا و حتی چهره‌های معروف با هدف جذب مخاطب بیشتر به مصاحبه یا همکاری با افرادی که سابقه رفتارهای خلافکارانه و خشونت‌آمیز دارند، پرداخته‌اند. این رفتار، به‌جای نقد و اصلاح، موجب عادی‌سازی و ترویج خشونت در جامعه می‌شود.

به گفته این جامعه‌شناس، این روند به‌ویژه در فیلم‌ها و سریال‌ها مشهود است، جایی که صحنه‌های خشونت‌آمیز، زد و خورد و توهین به دیگران به‌عنوان بخشی از داستان نمایش داده می‌شود. در این آثار، خشونت به‌عنوان یک رفتار طبیعی و حتی جذاب به تصویر کشیده می‌شود. این نمایش‌ها می‌توانند، باعث شوند که بی‌احترامی و پرخاشگری به دیگران در جامعه به‌عنوان رفتاری عادی و قابل پذیرش در نظر گرفته شود. متأسفانه این روند سبب شده است که خشونت در اشکال مختلف، چه در خیابان، چه در خانه یا محیط کار، در زندگی روزمره افراد رواج یابد و مردم نسبت به آن بی‌تفاوت شوند.

او می‌گوید: در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته، رفتارهای اخلاقی و اجتماعی به‌عنوان اصول پایه شناخته می‌شوند اما در جامعه ما به‌دلیل تکرار مداوم این الگوهای منفی در رسانه‌ها و فضای مجازی بسیاری از مردم نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت شده‌اند. متأسفانه در فضای رسانه‌ای ایران، رفتارهای ضد اجتماعی و خشونت‌آمیز به جای نقد و تحلیل به‌عنوان رفتارهایی که می‌توانند جذاب و جالب باشند به نمایش گذاشته می‌شوند. این الگوها نه تنها به ترویج خشونت کمک می‌کنند بلکه مرز میان رفتارهای صحیح و نادرست را در ذهن مخاطب از بین می‌برند.

ارمکی معتقد است؛ نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که اگر چنین روندی ادامه یابد، آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی جدی به جامعه وارد خواهد شد. در این شرایط، نیاز است که رسانه‌ها، سازندگان فیلم‌ها و چهره‌های عمومی با دقت بیشتری در انتخاب محتوای خود عمل کنند و با نمایش رفتارهای منفی به‌ویژه خشونت و پرخاشگری، جامعه را به سمت ترویج این رفتارها هدایت نکنند.



اما تاکنون گزارشی از تشکیل این کمیته منتشر نشده است. جامعه مدنی همچنان از طریق تجمع امضا، اعتراض فضای مجازی و رسانه‌ای تلاش می‌کند، توجه عموم و مسئولان را به خطرات ساخت‌وساز در این محدوده جلب کند. فعالان می‌گویند بدون تدوین یک طرح ویژه برای ساماندهی حریم کاخ گلستان و تعیین ضوابط جدید (شامل حداکثر عمق مجاز گودبرداری، الزام به مطالعات باستان‌شناسی، تأمین پارکینگ و...) توسعه شهری در این بخش از تهران به قیمت از دست رفتن سرمایه‌های ملی تمام خواهد شد. کارشناسان هشدار داده‌اند که در صورت افزایش فرونشست یا آسیب به کاخ گلستان این اثر ممکن است از فهرست میراث جهانی یونسکو خارج شود.

محیط زیست

راه‌حل‌های فوری بحران کم‌آبی

چرا ایران با وجود منابع آبی بیشتر از دیگر کشورها در بحران آب گرفتار است؟

بحران کم‌آبی در ایران روز به روز شدت می‌گیرد و این مسئله نه تنها به تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌های طبیعی مربوط می‌شود بلکه ناشی از سوءمدیریت منابع آب و مصرف نادرست آن است. در حالی که ایران به‌طور طبیعی منابع آبی بیشتری نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه دارد، بحران کم‌آبی در کشور از جمله در استان‌های گیلان و چهارمحال و بختیاری شدت یافته است. محمد درویش، کنشگر محیط‌زیست، معتقد است که با وجود بارش‌های فراوان در برخی مناطق، مشکل اصلی کم‌آبی همچنان باقی است و به دلیل مدیریت غلط منابع آبی، وضعیت به بحران نزدیک‌تر می‌شود. درویش به اهمیت اجرای «سند ملی امنیت غذایی» به‌عنوان راه‌حلی فوری اشاره می‌کند. طبق این سند، می‌توان سالانه ۱۰ درصد از مصرف آب در بخش کشاورزی کاسته و در نتیجه حدود ۸ میلیارد مترمکعب آب ذخیره کرد. این میزان آب معادل نیاز شرب ۸۰ میلیون ایرانی است و می‌توان آن را برای احیای تالاب‌ها و رودخانه‌ها استفاده کرد. درویش همچنین بر این باور است که به جای اجرای طرح‌های پرهزینه مانند شیرین‌سازی آب از دریای عمان، بهتر است که منابع آبی به‌طور پهنه و پایدار مصرف شود. وی همچنین به مدیریت ضعیف آب در ایران اشاره کرده و توضیح می‌دهد که در مقایسه با کشورهای نظیر عربستان که منابع آبی بسیار کمتری دارند، ایران با داشتن ۱۰۰ برابر منابع آب بیشتر به دلیل نادرست مصرف کردن آن با بحران مواجه است. این بحران در حالی است که کشورهای دیگری مانند امارات متحده عربی با شرایط مشابه، توانسته‌اند از طریق بهره‌برداری پهنه از منابع آب و عدم وابستگی به آن برای رشد اقتصادی از بحران‌ها عبور کنند. درویش تأکید دارد که با وجود داشتن فناوری‌های جدید مانند کولرهای پلیمری که ۴۰ درصد مصرف آب و برق را کاهش می‌دهند، حمایت‌های لازم از سوی دولت برای ترویج چنین فناوری‌هایی وجود ندارد. وی بر لزوم ایجاد انگیزه برای صرفه‌جویی در مصرف آب از سوی دولت و ارتقای فرهنگ استفاده پهنه از منابع آبی تأکید می‌کند. به گفته او در کشورهای پیشرفته از ابزارهایی مانند کنتورهای آب مستقل در ساختمان‌ها استفاده می‌شود تا هر خانوار مسئول مصرف خود باشد. در نهایت، درویش بر این نکته تأکید دارد که برای عبور از بحران کم‌آبی، تنها به بارش‌های بیشتر نمی‌توان امید داشت.

